



نارضایتی‌ها در سیستان و بلوچستان به سطح هشدار رسیده است

دولت گوش کند

قطعی‌های برق در گرمای بالای چهل درجه مردم را به ستوه آورده است دولت محلی نتوانسته نخبگان و گروه‌های مرجع را همراه کند

محمد بلوچ‌زهی

به‌رغم امیدواری‌ها و انتظارهای به‌وجود آمده پس از روی کار آمدن دولت چهارم پیرامون تلطیف فضای آشفته و بحران‌زده سیستان و بلوچستان و ترمیم شکاف عمیق بین دولت و مردم بلوچ و نیز جبران همه سرخوردگی‌های ایجاد شده چند سال اخیر، حال با گذشت نزدیک به یک‌سال از روی کار آمدن دولت وفاق آنچه در زیر پوست این استان می‌گذرد بسیار نگران‌کننده است و در حد هشدار.

همچنین در صورتی که فضای موجود بیش از این درک نگردد و آلام و مصائب بی‌شمارش با برداشت‌های سلیقه‌ای و سطحی‌نگری‌ها زیر فرش مصلحت‌اندیشی پنهان شود، بی‌تردید دیری نخواهد پایید که موج نارضایتی‌های بی‌سابقه در جایی و سر هموارراهی و در دل بزنگاهی خود را عیان نماید و تبعات غیرقابل جبران و خسارت‌بار آن دولت را با چالش‌های متعدد و پیوسته سیاسی و اجتماعی روبه‌رو سازد و هزینه‌های بالایی بر جامعه نیز تحمیل کند.

شاید این چند گزاره پاسخی هشدارآمیز باشد به همه آن خوش‌خیالی‌ها و خوش‌بینی‌ها و خوانش‌های نادرست فضای سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان که به نظر می‌رسد رضایت‌بخش دانستن آن از طرف مقامات محلی دولت بیشتر ریشه در همان بیگانگی با سیاست و ضعف تحلیل وضعیت و شرایط غریب‌بار موجود استانی دارد که فضای آن را می‌توان به آتش زیر خاکستر تعبیر کرد.

نباید از نظر دور داشت که ناتوانی مقامات محلی در تعامل سازنده با خواص و نیز در همراهی با گروه‌های مرجع و تأثیرگذار مردمی، تداوم رویکرد مدیریت دولت گذشته، نداشتن برنامه مدون و مشخص برای رفع شکاف و برپیدن دیوار بی‌اعتمادی، در پیش گرفتن راهبرد ناصواب جابه‌جایی مدیران سیاسی به جای تن دادن به تغییر و تازه نفس و چابک نمودن بدنه مدیریتی، انفعال و روزمرگی در سطوح مختلف مدیران، فسل بودن بیش از پیش سیستم پاستنگویی و اداری، ناتوانی در پاسخ به مطالبات مردمی را می‌توان بخشی از عوامل دخیل در به‌وجود آمدن چنین وضعیتی دانست.

همچنین نارضایتی گروه‌های مرجع و تأثیرگذار که در این دوره از انتخابات کمترین دخالت و تأثیرگذاری را برای روی کار آمدن دولت دکتر پزشکیان داشته‌اند جای خود اما حالا عملکرد و رویکرد عصا به‌دست کارگزاران استانی بیگانه با سیاست آن نه تنها در جذب و همراهی این گروه و پایگاه موثر ناکام مانده و توفیری کسب ننموده بلکه حتی نتوانسته همان سرمایه اجتماعی دولت را که در انتخابات برخلاف جریان پای صندوق‌های رأی آمدند و چشم بر همه ناملایماتی‌ها و زخم‌زبان‌ها بستند و برای روی کار آمدن دولت آستین بالا زدند همچنان با خود همراه کنند و همدل.

بی‌ترید یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های سنجنش رضایتمندی مردم و پویایی و نشاط در هر جامعه و نیز تحلیل موقعیت و موقعیت دولت به سطح تعامل جامعه محلی، خواص و همین‌طور مشارکت و همراهی و همدلی توده مردم با برنامه‌های دولتی و کارگزاران محلی دولت برمی‌گردد که در سیستان و بلوچستان نه تنها این تعامل و همراهی و همدلی پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ صورت نگرفته بلکه رویکرد در پیش گرفته شده سبب سرخوردگی سرمایه اجتماعی دولت گردیده.

از یک سو فقدان مانیفست و در پیش نگرفتن راهبرد مشخص در عرصه سیاست و همین‌طور انتصابات غیرمرتبط و گماردن نیروهای غیرسیاسی در جایگاه‌های تعیین‌کننده سیاسی مانع از جذب نخبگان و کنشگران سیاسی شده است از سویی دیگر نیز عمل نمودن به وعده‌های انتخاباتی و برآورده نساختن خواست و مطالبات عمومی و نیز فشار بیش از پیش بر زندگی روزمره ناکامی‌ها و نارضایتی‌های متعددی را در عرصه اجتماعی برای دولت تا این زمان رقم زده است.

ناترازی در بخش‌های مختلف از جمله قطعی‌های عذاب‌آور و مکرر برق که در گرمای بالای چهل درجه سانتیگراد اتفاق می‌افتد و عدم مدیریت آن و نیز هم وضعیت بفرنج ارتباطات و افت شدید کیفیت مکالمات تلفن‌های همراه و اینترنت و از طرفی افزایش تعرفه‌های انرژی در چنین وضعیتی به مثابه نمک بر زخم مردم پاشیدن است و درجه عصبیت موجود در جامعه را بالا برده!

به هر روی حالا در چنین شرایط و موقعیتی دولت دوراه بیشتر پیش‌رو ندارد یا که دست به اقدامی عاجل در آستانه‌ای یک‌سالگی خود در این استان بزند و با تجدید نظر در رویکرد و مشی فعلی راهبردی تازه را برای کاهش حجم بالای نارضایتی‌ها و ناترازی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و افزایش سرمایه اجتماعی خود پیشه کند و اوضاع بفرنج فعلی را سامان بخشد یا این که همین روند گزاردومرز کنونی را ادامه دهد و رویه معمول هر چه پیش آید خوش آید را! همین.

سایت نگار سیاسی

همسر سفیر ایران: عظمت ایران کجا و امارات کجا!



نرگس قدیریان، همسر سفیر ایران در لبنان، در تویییتی با انتشار تصویری از سفر اخیر خود به امارات، از تفاوت‌های این کشور با گذشته نوشت. او گفت: «دیروز بعد از ده سال به امارات سفر کردیم. از پنجره هواپیماکه به شهر نگاه میکردم تا چشم کار میکرد می‌کرد صحرای خشک بود و فرودگاهش هم فرسوده تر از قبل شده بود و قابل مقایسه با عظمت و پیشرفتهای #ایران نبود اظهارات غلو آمیز اخیرا #ترامپ در سفر به کشورهای عربی را در نیاز او برای سرعت اموال آنها دیدم این توییت واکنش‌های مختلفی را در فضای مجازی درباره مقایسه وضعیت امارات و ایران و تحلیل نگاه دولتمردان به کشورهای منطقه به دنبال داشت.

سیاست بر سر سفره ایرانی

مذاکره بر سر مرزها

• ورود احتمالی برنده‌های معتبر غذا به ایران پس از توافق با آمریکا،

چه تأثیری بر فرهنگ خوراک و سبک زندگی ایرانی خواهد گذاشت؟

روایت تحلیلی از تغییرات آشپزخانه تا سالن سیاست



محمد حاجی مومنی
هفت صبح

از سفره شاهان قاجار تا کافه‌های امروز، غذا و خوراک در ایران همیشه نقشی فراتر از تغذیه داشته‌اند: دیپلماسی خوراک حالا به ابزاری تازه برای قدرت‌نمایی نرم، وحدت ملی و حتی مذاکره سیاسی تبدیل شده است. روایت تحلیلی هفت صبح از این پیوند پیچیده و خوشمزه در ایران، غذا و سیاست از دیرباز همسفره بوده‌اند؛ اکنون در عصر گفت‌وگو با جهان، آیا بشقاب‌های ایرانی میزبان طعم‌های تازه جهانی خواهند شد؟ در ایران، غذا و سفره فقط موضوع سلیقه یا شکم نیست. هر لقمه‌ای که بر سر سفره‌های ایرانی نهاده می‌شود، حامل تاریخی عمیق از فرهنگ، هویت و حتی سیاست است؛ گاه نمایش قدرت و شکوه، گاه وسیله وحدت و گاهی عرصه‌ای برای رقابت‌های فرهنگی و نرم. در روزگاری که دیپلماسی خوراک در جهان به ابزاری موثر برای بهبود تصویر کشورها و نزدیکی ملت‌ها تبدیل شده، ایران با سنت غنی آشپزی خود همواره از غذا و آیین سفره برای انتقال پیام‌های مهم بهره برده است.

از سفره سلطنتی قاجار

تارستوران‌های مدرن

در دوران قاجار، سفره شاهان صرفاً مکانی برای صرف خوراک نبود و به صحنه‌ای برای نمایش قدرت، تشریفات و البته دیپلماسی تبدیل شده بود. ناصرالدین‌شاه قاجار، پادشاهی که به وفور و تنوع غذا اهمیت می‌داد، سفره‌هایی رنگین برپا می‌کرد که بر آن ده‌ها نوع غذا و دسر چیده می‌شد. مهمانان خارجی با دیدن این سفره‌ها، ایران را کشوری ثروتمند و مهمان‌نواز می‌دیدند. روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد که شاهان قاجار گاه خود غذای ساده می‌خوردند اما برای جلب نظر و اقتدار، نمایش باشکوهی از خوراک و آداب داشتند. در عصر قاجار، ثبت و ضبط دانش آشپزی ایرانی نیز اهمیت یافت. آشپزی چون «خوراک‌های ایرانی» و «سفره اطعمه» نشان می‌دهد که آشپزی فقط عمل روزمره نبوده، بلکه بخشی از تمدن و مشروعیت سیاسی محسوب می‌شد. غذا به زبانی بدل شد که از آشپزخانه سلطنتی تا دورترین نقاط کشور، نشانه‌ای از «ما بودن» ایرانیان بود. با آغاز حکومت پهلوی و جریان مدرنیزاسیون، الگوهای غذا خوردن تغییر کرد. رضاشاه فرهنگ میز و صندلی را جایگزین سفره‌نشینی سنتی کرد و استفاده از قاشق و چنگال رایج شد. رستوران‌ها و کافه‌های مدرن در تهران و شهرهای بزرگ با گرفتند و اولین موج ورود غذاهای فرنگی به ایران شکل گرفت: سوپ، کنتل، بیف‌استراگانف، سالاد الویه و... در کنار خورش‌ها و پلوهای سنتی جای گرفتند. در دهه ۱۳۴۰، با رشد طبقه متوسط شهری و نفوذ فرهنگ غربی، پای فست‌فودهای غربی به ایران باز شد. پیتزافروشی‌ها و رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی، سبک تازه‌ای از رستوران‌گردی را معرفی کردند. این تحولات با دو رویکرد متفاوت روبه‌رو بود: گروهی این دگرگونی را نشانه پیشرفت و جهانی‌شدن سفره ایرانی دانستند و گروهی آن را مصداق «غرب‌زدگی» و تهدید برای هویت غذایی کشور شمردند. با این حال، حتی در آن روزها هم ضیافت‌های رسمی دربار ترکیبی از آشپزی اصیل ایرانی و غذاهای بین‌المللی بود. جشن‌های رسمی، مثل ضیافت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، بیش از آنکه صرفاً به نمایش خوراک بپردازد، بستری برای بیان قدرت نرم، شکوه تاریخی و پیام دوستی به جهان بود؛ ولو اینکه گاه این نمایش بیشتر مورد پسند خارجی‌ها باشد تا مردم خود ایران.

غذاهای قومی: رنگین‌کمانی برای وحدت

شاید یکی از قوی‌ترین ابزارهای دیپلماسی داخلی، همین سفره چندرنگ ایران است؛ جایی که هر قوم و فرهنگ، خوراک ویژه خود

قدرت نرم، سیاست و دیپلماسی غذا

دیپلماسی خوراک سال‌هاست از سطح آشپزخانه و سفره خانگی فراتر رفته و به ابزاری کارآمد برای قدرت نرم ملی تبدیل شده است. کشورهای مختلف آسیایی و حتی برخی از همسایگان ایران، سرمایه‌گذاری بزرگی روی آشپزی ملی و صادرات فرهنگ خوراک کرده‌اند؛ ایران نیز با وجود چالش‌ها، در مسیر جهانی‌شدن آشپزی ایرانی حرکت می‌کند. در عرصه داخلی، غذا ابزار ارتباط و پیام‌رسانی سیاسی نیز هست. هر ساله، سفره افطار سیاستمداران در ماه رمضان، محملی برای گردهمایی دوستان و رقبای نشانه‌ای از اتحاد یا حتی اعتراضات نمادین است. رسانه‌ای‌شدن لیست مهمانان افطاری‌ها، گاهی بیش از محتوای سیاسی جلسات سر و صدا به با می‌کند؛ نبوهن یک چهره در ضیافت رئیس‌جمهور یا حضور یک مخالف سیاسی سر سفره افطار، می‌تواند پیام ویژه‌ای به افکار عمومی بدهد. در عرصه بین‌الملل نیز، سفره ایرانی حامل پیام‌های فرهنگی و سیاسی است. ضیافت‌های رسمی با غذاهای اصیل ایرانی، حضور چای و شیرینی سنتی در سفارتخانه‌ها و دعوت از دیپلمات‌های خارجی برای تجربه طعم زعفران و برنج ایرانی، ابزاری برای تصویرسازی مثبت از کشور و



کاهش فاصله‌هاست. هر حرکت نمادین مثل دعوت از مهمان خارجی به رستوران سنتی یا حتی بازنشر عکس یک دیپلمات ایرانی در حال خوردن غذای بومی یک کشور دیگر، می‌تواند از صدها سخنرانی سیاسی تأثیرگذارتر باشد. آشپزخانه و سالن دیپلماسی در ایران، همواره به‌هم پیوسته‌اند. برای نمونه انتشار عکس‌های عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان در سفرهای خارجی در رستوران‌های کشورهای مختلف حرکتی در این جهت است.

خبر را باید به داخل کشور بازگرداند و امروز چه بسا برخی مردم برای دریافت تیتروهای روز به رسانه‌های خارج کشور مراجعه می‌کنند که بسیار بد است.» او تأکید کرد این مرجعیت فقط با «صراحت، صداقت و چابکی» بازمی‌گردد و افزود: «ما از مردم محرم‌تر نداریم.»

مهاجرانی با اشاره به چالش رسانه‌های داخلی و فضای مجازی، بیان کرد: «اگر نتوانیم به سرعت اطلاعات درست و دقیق را بدیم، باید دائم مثل آتش‌نشانیان، آتش‌خبرهای جعلی را خاموش کنیم.» او شفافیت، علم ارتباطات و انسجام اجتماعی را لازمه عبور از بحران‌های امروز دانست و گفت: «امروز به هیچ چیز بیشتر از انسجام اجتماعی نیاز نداریم و یک واژه داریم که باید برایش سینه سپر کنیم و آن ایران است.»

سختگیری دولت همچنین از تصمیم برای اتصال برق ستاد وزارخانه‌ها به صفحات خورشیدی و قطع برق آنها خبر داد و این اقدام را «خرمدندان» دانست.

گفت‌وگوهای ایران و طالبان درباره حقایق هیرمند

فرهاد شهرکی، نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند، در گفت‌وگو با تابناک به جزئیات نشست اخیر میان ایران و طالبان درباره حقایق رود هیرمند پرداخت. او گفت: «در جلسه‌ای که وزرای خارجه ایران و طالبان داشتند، در ارتباط با معاهده ۱۳۵۱ (حقابه

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره برده‌اند. این سنت‌ها به وحدت فرهنگی، تعامل اقوام و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای کمک کرده است. امروز خوراک گیلکی، کردی، عربی، لری و بلوچ، دیگر فقط در دیار خودشان محبوب نیستند؛ به بخشی از سفره ملی ایران تبدیل شده‌اند و حتی در فهرست آثار ناملموس

ایران در دهه‌های اخیر، ورود رستوران‌ها و غذاهای بین‌المللی به بازار داخلی است. تجربه ایران از دوره پهلوی تا امروز، گویای نوسانات سیاسی و فرهنگی در این حوزه است. زمانی رستوران‌های زنجیره‌ای خارجی حاضر نیستند، در رستوران‌ها و خانه‌های سراسر کشور حضور دارند. در سال‌های اخیر، برگزاری جشنواره‌های غذای اقوام، برنامه‌های تلویزیونی درباره خوراک بومی و حتی رقابت برای ثبت جهانی غذاهای محلی، تبدیل به ابزاری برای تقویت وحدت و غرور ملی شده است. نذر غذا در محرم و صفر، پخت آش‌های محلی در مناسبت‌های مذهبی و سنت نان پزی در روستاها و شهرهای کوچک، علاوه بر معنای فرهنگی، کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز یافته‌اند. بسیاری از رجال محلی و حتی سیاستمداران، از سفره‌های نذری و ضیافت‌های عمومی برای جلب نظر مردم و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره

بررسی رشد بازار اجاره ساعتی خودروهای لوکس در ایران به‌عنوان نماد پرستیژ اجتماعی در جامعه‌ای گرفتار نابرابری و تورم

با ۳۰ میلیون تومان ۱۰ ساعت مازراتی برانید

زوج‌های جوان برای مراسم عروسی حاضرند هزینه‌های سنگینی برای اجاره خودرو پرداخت کنند

نکاه

برق سبز زیر تیغ سیاست

تصمیم دولت برای محدود کردن مصرف برق حتی در منابع تجدیدپذیر، به بحران اعتماد در اقتصاد و سقوط زنجیره تولید صنعتی دامن می‌زند



حسین سلاهورزی
رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران

نزدیک به سه دهه است که در قامت یک فعال اقتصادی و کنشگر اجتماعی، تلاش کرده‌ام نقدهایم را بی‌پرده، اما دلسوزانه بیان کنم. همیشه امید داشتم که سازوکار سیاست‌گذاری در کشور، جایی برای شنیدن حرف‌هایی از جنس تجربه و دلسوزی داشته باشد. پس از تجربه تلخ دولت گذشته، تصور می‌کردم که دولت چهاردهم با رویکرد مشورتی‌تر به میدان آمده است. همین امیدواری باعث شد که در این ۹ ماه گذشته، نامه‌ها و تذکرات متعددی را به‌صورت مکتوب برای رئیس‌جمهور، معاون اول و وزرا ارسال کنم، به امید آنکه تصمیمات پیش از اجرا، بازنگری شوند.

اما در عمل، هیچ نشانی از اثرگذاری این تذکرات ندیدم. بی‌پاسخ ماندن آن هشدارها باعث شد به این نتیجه برسم که شاید انتشار عمومی این نکات، موثرتر باشد. به همین دلیل است که امروز، بسا تمام دغدغه و مسئولیتی که احساس می‌کنم، درباره تصمیم اخیر دولت در خصوص محدودیت مصرف برق، نکاتی را با مردم و مسئولان در میان می‌گذارم. بر اساس مصوبه جدید، صنایع ملزم شده‌اند مصرف برق خود را تا ۹۰ درصد نسبت به دیمانذ قراردادی کاهش دهند؛ تصمیمی که برق سبز و برق معمولی را به‌صورت یکسان در بر گرفته است. این تصمیم برخلاف وعده‌هایی بود که دولت برای معافیت برق‌های تولیدشده از منابع تجدیدپذیر داده بود. مسئله فقط تضاد یک تصمیم جدید با گفته‌های پیشین نیست، بلکه ریشه‌ای عمیق‌تر دارد: نقض اعتماد شکل گرفته میان دولت و سرمایه‌گذاران.

در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، حقوق مالکیت یکی از مهم‌ترین ارکان اعتمادسازی و پیش‌نیاز توسعه پایدار است. وقتی یک بنگاه اقتصادی با اعتماد به سیاست‌های تشویقی دولت، برق سبز را با قیمت بالاتر از متوسط بازار خریداری می‌کند، انتظار دارد که این سرمایه‌گذاری از گزند تصمیمات فقهی و خلق‌الساعه در امان بماند. اما حالا شاهد هستیم که برق خریداری‌شده از نیروگاه‌های خورشیدی و بادی نیز با همان شدت و بدون تمایز، مشمول محدودیت شده است.

مختصران انرژی خورشیدی مانند ادوارد بیکر و راسل اوهل با امید به آینده‌ای روشن و پایدار این فناوری را پایه‌گذاری کردند، اما هرگز تصویری که در در ایران، تحولات سیاست‌گذاری انرژی را تصمیماتی روبه‌رو شود که سرمایه‌گذاری در این حوزه را تهدید می‌کند و اعتماد فعالان به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

اگر بپذیریم که دولت باید نهاد تضمین‌کننده قرار داده‌ها باشد، این گونه تصمیم‌گیری‌ها تشبیه به ریشه همان اعتمادی می‌زند که بدون آن، هیچ برنامه‌ای برای جذب سرمایه، نوآوری یا توسعه بلندمدت شکل نمی‌گیرد. اقتصاد ایران، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند سرمایه‌گذاری مولد و تولیدمحور است؛ انرژی و به‌ویژه انرژی برق، ستون فقرات این سرمایه‌گذاری‌هاست.

در کشورهایی که مسیر صنعتی‌شدن را با موفقیت طی کرده‌اند، انرژی نه‌تنها سوخت ماشین تولید که ابزار تثبیت سیاست‌های توسعه‌ای بوده است. برق ارزان، پایدار و قابل اتکا، اساس تصمیم‌گیری برای احداث کارخانه‌ها و توسعه صنایع سنگین است. در ایران نیز، صنعت فولاد که امروز با خطر توقف کامل روبه‌رو شده، یکی از معدود بخش‌هایی بوده که با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های ارزی، توانسته سهمی در صادرات غیرنفتی کشور داشته باشد. ظرفیت تولید سالانه فولاد ایران به ۳۰ میلیون تن رسیده و این صنعت هزاران شغل مستقیم و غیرمستقیم در استان‌هایی چون اصفهان، خوزستان و کرمان ایجاد کرده است.

با کاهش شدید دیمانذ برق، چرخ این صنعت متوقف شده و پیامدهای آن، تنها محدود به کاهش تولید نخواهد بود. از دست رفتن بازارهای صادراتی، اختلال در زنجیره تأمین داخلی و کاهش درآمدهای ارزی تنها بخشی از تبعات مستقیم این تصمیم هستند. از منظر کلان نیز، برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که به ازای هر یک میلیون تن کاهش تولید فولاد، حدود ۰.۲ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی کاسته می‌شود. این کاهش در شرایطی اتفاق می‌افتد که اقتصاد ایران با رکود مزمن، تورم بالا و بی‌ثباتی مالی دست به گریبان است.

فراثر از اثرات اقتصادی، نباید از پیامدهای اجتماعی چنین تصمیماتی غافل بود. تعطیلی کارخانه‌ها به معنای افزایش بیکاری در مناطقی است که همین حالا نیز از نظر شاخص‌های اشتغال وضعیت مناسبی ندارند. شکل‌گیری نارضایتی در میان نیروی کار، از دست رفتن امید به آینده و افزایش بی‌ثباتی اجتماعی از نتایج غیرمستقیم چنین سیاست‌هایی است که شاید در گزارش‌های رسمی دیده نشود، اما در کف جامعه ملموس است.

از منظر اقتصاد انرژی نیز، یک تضاد عمیق در تصمیم‌گیری‌های ما قابل مشاهده است. در حالی که طی سال‌های اخیر تلاش شد با ابزارهایی چون بورس انرژی و قراردادهای دوجانبه، زمینه مشارکت بخش خصوصی در تولید انرژی تجدیدپذیر فراهم شود، حالا در نخستین فشار، همان سرمایه‌گذاران مورد بی‌اعتمادی قرار گرفته‌اند. انرژی‌های تجدیدپذیر، برخلاف سوخت‌های فسیلی، نیازمند دوره بازگشت سرمایه طولانی و ثبات سیاستی بلندمدت هستند. اگر سرمایه‌گذار اطمینان نداشته باشد که برق تولیدی او در مواقع بحران، بدون تبعیض و با حفظ حقوق قراردادی عرضه خواهد شد، انگیزه‌ای برای ورود به این حوزه باقی نمی‌ماند.

در چنین شرایطی، نیازمند بازنگری فوری در سیاست‌گذاری‌ها هستیم. ابتدا باید برق سبز را به‌طور کامل از محدودیت‌ها مستثنا کرد. این اقدام هم از نظر اخلاقی، هم از منظر قانونی و هم برای بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران ضروری است. همچنین، ضروری است که دولت تقویم دقیقی از میزان، دوره و دامنه محدودیت‌ها منتشر کند تا فعالان اقتصادی بتوانند برنامه‌ریزی کنند. تصمیمات ناگهانی، سم مهلک تولید است. از سوی دیگر، خسارات وارده به صنایع باید به‌شکلی ملموس جبران شود؛ از جمله از طریق مشوق‌های مالیاتی، کاهش تعرفه‌های وارداتی مواد اولیه، یا تخصیص یارانه هدفمند. در نهایت، باید توسعه واقعی نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، نه در قالب آمارهای تبلیغاتی بلکه در قالب مجوزهای عملیاتی، در دستور کار قرار گیرد.

در شرایطی که اقتصاد ایران نیازمند نفوس تازه است، نمی‌توان با تصمیماتی از این دست، مسیر تنفس صنایع را بست. با خاموش شدن چراغ تولید، روای توسعه هم به خاموشی می‌گراید. مسیر خروج از رکود، از جاده ثبات و پیش‌بینی‌پذیری می‌گذرد؛ نه از راه پیچ‌های تند و بی‌تابولی سیاست‌گذاری.



نوع خودرو	مدل و مشخصات	نرخ اجاره ساعتی (تومان)
پرادو	سدان ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار
تویوتا هایس	سقف بلند ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار
هیوندای سوناتا	سدان ۲۰۲۳	۱۰ ساعت ۳ میلیون
لندکروز نیو فیس	مدل های GR-Sport و GXR	۱۰ ساعت ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار
مرسدس بنز	C۲۰۰ ۲۰۲۳	۱۰ ساعت ۶ میلیون
ب‌ام‌و	(Z۴) کروک ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار
پورشه	(Boxter) کروک ۲۰۲۲	۱۰ ساعت ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار
رنو	(Escala) کروک ۲۰۲۳	۱۰ ساعت ۷ میلیون
تیگو ۷	شاسی بلند ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۵ میلیون
پورشه	ماکان ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۱۷ میلیون
مازراتی	گرن توریسمو ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۳۰ میلیون
لکسوس	RX۳۵۰ شاسی بلند ۲۰۲۴	۱۰ ساعت ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار

▲ شرایط اجاره خودرو در تهران با توجه به سایت ارائه دهنده متفاوت است؛ برای مثال متقاضیان اجاره کیا اسپور تیج در تهران باید شرایط خاصی را رعایت کرده و مدارک معینی را ارائه دهند. اولین شرط این است که متقاضی باید حداقل ۲۱ سال سن داشته باشد. علاوه بر این، داشتن گواهینامه رانندگی معتبر با حداقل ۶ ماه اعتبار از دیگر پیش‌نیازهای ضروری برای اجاره خودرو است. همچنین، ارائه مدرک شناسایی معتبر از جمله کارت ملی نیز برای احراز هویت اجاره‌کننده الزامی است.

● هزینه‌های پنهان

اما باید در جریان باشید که برای اجاره خودرو هزینه‌های پنهان و غیر ملموسی هم وجود دارند که می‌توانند شما را غافلگیر کنند.

این هزینه‌ها می‌توانند شامل موارد هزینه بیمه اضافی باشد چرا که برخی شرکت‌ها بیمه پایه ارائه می‌دهند، اما برای پوشش کامل ممکن است هزینه اضافی دریافت شود.

محدودیت کیلومتری را هم باید در نظر گرفت. در برخی موارد، اگر بیش از حد مجاز رانندگی کنید، هزینه اضافی اعمال می‌شود.

● هزینه اجاره چقدر است؟

هزینه اجاره خودروهای لوکس در ایران در سال ۱۴۰۴، بسته به نوع خودرو و مدت زمان اجاره، متفاوت است. به‌طور کلی، هزینه اجاره روزانه و ساعتی یک خودرو لوکس می‌تواند از ۳ میلیون تومان تا حتی بیش از ۳۰ میلیون تومان نیز متغیر باشد. در جدول زیر هزینه اجاره برخی از خودروها که توسط شرکت‌ها اجاره داده می‌شوند را مشاهده می‌کنید. توضیح اینکه قیمت‌ها از طریق سایت‌های اینترنتی به‌دست آمده و ممکن است ۳ تا ۵ درصد متفاوت باشد.

در دستگاه فراهم کردن اینترنت پایدار و برق مستمر، ضروری بود. استخراج بیت‌کوین، به دلیل نیاز به انرژی بالا، هزینه قابل توجهی در زمینه تأمین برق ایجاد می‌کرد. مقرون به‌صرفه بودن فعالیت استخراج، همواره وابسته به مجموع عوامل مختلف مانند قیمت دستگاه، تعرفه برق و شرایط نگهداری تجهیزات بوده است. با افزایش مصرف برق در کشور، به‌ویژه در فصل تابستان، مقامات مسئول بارها درباره استفاده غیرقانونی از برق برای استخراج رمزارز هشدار داده‌اند. مرکز استخراج غیرمجاز شناسایی شده‌اند و برخی فعالیت‌ها نیز پلمب شده است. به همین دلیل، روزنامه هفت صبح به خوانندگان خود توصیه می‌کند، در صورت علاقه‌مندی به این حوزه، رعایت مقررات قانونی را در اولویت قرار دهند. همچنین شرایط محدودیت تأمین برق نیز باید به‌طور جدی در نظر گرفته شود تا فعالیت‌های ماینینگ، آسیبی به شبکه برق کشور وارد نکند. در یک سال اخیر، برخی افراد با هدف کاهش وابستگی به برق شهری، به نصب پنل‌های خورشیدی روی آورده‌اند. استفاده از انرژی خورشیدی، گرچه نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه دارد، اما در بلندمدت، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. کسانی که در مناطق آفتابی زندگی می‌کنند، فرصت بیشتری برای بهره‌گیری از این راهکار دارند. البته راهاندازی چنین سیستمی نیاز به دانش فنی، نگهداری منظم و بررسی بازدهی

خودروهای لوکس می‌کنند، قشر متوسط جامعه نیز گاهی می‌خواهند این لذت‌ها را به شکل دیگری تجربه کنند. هر چند که به قیمت و هزینه گزاف باشد، یکی از این نمونه‌ها، اجاره ساعتی خودروهای لوکس است که اتفاقاً چند سالی است در ایران رونق گرفته است. بنابراین افراد طبقه متوسط جامعه، گاهی برای سوار شدن یک خودروی لوکس، حاضر می‌شوند حقوق ۱ تا ۲ ماه خود را هزینه کنند!

هم‌که شده، سوار یک خودروی با قابلیت‌های روز دنیا شوند و امکانات آن را امتحان کنند.

● فهرست خودروهای لوکس موجود در ایران

در ایران و در سال‌های اخیر تعداد شرکت‌های اجاره دهنده خودروهای لوکس افزایش چشمگیری داشته است. برخی از خودروهای محبوب برای اجاره شامل بامو X۳، بنز S۵۰۰، تویوتا لندکروز، چری تیگو ۷ پرو، هیوندای سانتافه، لاماری و کیا سورنتو هستند. البته مشتاقان خودروهای بسیار لوکس مانند لامبورگینی، پورشه، مازراتی، آئودی و غیره نیز در حالی که باید هزینه و وثیقه بیشتری در نظر بگیرند، باید به شرکت‌های خاص (خصوصاً در تهران) مراجعه کنند.

● شرایط اجاره چیست؟

شرایط اجاره خودرو در ایران بسته به شرکت اجاره دهنده و نوع خودرو متفاوت است. اما به‌طور کلی، برخی از شرایط رایج شامل ارائه گواهینامه رانندگی معتبر با حداقل ۶ ماه اعتبار، کارت ملی، و چک یا سفته به مبلغ خودرو مورد نظر، توانایی پرداخت مبلغ ودیعه بسته به نوع خودرو (برای خودروهای لوکس، این مبلغ بیشتر خواهد بود)، محدودیت کیلومتری چرا که در اجاره بدون راننده، خودروها معمولاً دارای محدودیت کیلومتری مشخصی هستند. اما در صورت اجاره خودرو با راننده، نیازی به ارائه مدارک و ودیعه نیست. مدت زمان اجاره هم موردی است که حتماً باید در مورد آن مطلع باشید. اجاره خودرو می‌تواند کوتاه‌مدت (چند ساعت تا چند روز) یا بلندمدت باشد.

در این میان اجاره ماشین عروس شرایط خاص خودش را دارد. مدت زمان استاندارد اجاره ماشین عروس ۱۵ ساعت است (از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ شب)، و در صورت خروج از محدوده شهری هزینه بیشتری به مبلغ اجاره اضافه می‌شود.



انرژی

گزارشی از تجربه تلخ کسانی که بدون شناخت وارد بازار ماینینگ شدند و سرمایه‌شان را باختند

پایان عصر استخراج سنتی رمزارز



رضا ناجی
هفت صبح

حدود سه سال پیش، تماس‌های زیادی از سوی کاربران مشتاق حوزه فناوری برقرار می‌شد با یک سوال مشخص: «چطور می‌شود بسا کارت گرافیک استخراج رمزارز انجام داد؟» این موج علاقه‌مندی، همزمان با رشد قیمت ارزهای دیجیتال، موجب شد که بازار سخت‌افزار به‌ویژه کارت‌های گرافیکی با تغییرات قابل توجهی مواجه شود. در آن مقطع، کارت گرافیک RX۵۸۰ محصول شرکت AMD، به انتخاب اصلی علاقه‌مندان به استخراج رمزارز تبدیل شد. افرادی با سرمایه کمتر معمولاً به این گزینه روی می‌آوردند. در مقابل کسانی که سرمایه بیشتری در اختیار داشتند، سراغ کارت‌های گرافیکی قدرتمندتر مانند ASUS ۳۰۹۰ می‌رفتند؛ قطعه‌ای که در بازار ایران با قیمتی حدود ۸۰ میلیون تومان عرضه می‌شد. برخی فروشنده‌گان در اوج تقاضا این قطعه را حتی تا قیمت ۱۲۰ میلیون تومان نیز به فروش می‌رساندند. همین جهش قیمتی، بازار تجهیزات تدوین و طراحی را با بحران مواجه کرد، چون کارت‌های گرافیکی که برای تدوین حرفه‌ای نیاز بود، در دسترس کاربران تخصصی قرار نگرفت. در میان نرم‌افزارهای مورد استفاده برای مدیریت استخراج، Hive OS محبوبیت بالایی پیدا کرد. این سیستم‌عامل ویژه استخراج، به کاربران

اجازه می‌داد ریگ‌های ماینینگ را با سهولت بیشتری تنظیم کنند و فعالیت ماینینگ را با کارایی بالا انجام دهند. استخراج‌کنندگان با استفاده از این پلتفرم، اترיום را هدف قرار داده بودند. اترיום در آن زمان بر پایه الگوریتم اثبات کار (PoW) فعالیت می‌کرد و استفاده از کارت‌های گرافیکی مانند RX۵۸۰ برای استخراج آن رایج بود. اما شرایط با تحولات شبکه اترיום در سپتامبر ۲۰۲۲ تغییر کرد. با مهاجرت اترיום به الگوریتم اثبات سهام (PoS)، امکان استخراج این رمزارز از طریق تجهیزات مبتنی بر اثبات کار از بین رفت. استخراج‌هایی مانند Hivion نیز به دنبال این تغییر، فعالیت استخراج اترיום را متوقف کردند. افرادی که سرمایه‌گذاری خود را به امید سودآوری از طریق استخراج ETH آغاز کرده بودند، پس از این تحول، با کاهش ناگهانی فرصت‌ها روبه‌رو شدند. تنها کسانی که پیش از این تغییرات، ماینینگ را آغاز کرده بودند، بخشی از هزینه‌های خود را جبران کردند. سایر کاربران، با توجه به هزینه بالای برق و تجهیزات، بعضاً به‌جای سودآوری، با زیان مواجه شدند. همزمان با رونق اترיום، عده‌ای نیز به استخراج بیت‌کوین روی آوردند. بیت‌کوین، به‌عنوان اولین و شناخته‌شده‌ترین رمزارز جهان، نیاز به تجهیزات اختصاصی داشت.

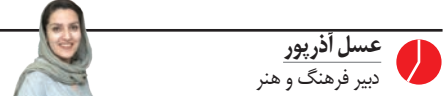
دستگاه‌های ASIC مانند Antminer S19 با توان پردازش ۱۴.۵ ترا هش بر ثانیه، توجه استخراج‌کنندگان را جلب کرد. قیمت این دستگاه حدود ۹۰۰ الی ۱۸ میلیون تومان بود و افراد با اتصال آن به استخراج‌هایی مانند Bitcoin، امکان استخراج بیت‌کوین را به‌دست می‌آوردند. برای شروع استخراج با این دستگاه‌ها، ثبت‌نام در صرافی‌هایی نظیر کوینکس، وارد کردن اطلاعات استخراج



نگاهی به تحولات صداوسیمما:

مدیران در قاب رسانه ماندند

● سیما پاستخگو نیست، اعتماد عمومی پشت میکروفن‌ها شکل نمی‌گیرد



عسل آذرپور
دبیر فرهنگ و هنر

حالا دو ماهی می‌شود که تلویزیون در سه قدمی‌ام قرار گرفته، نه یکی که دو تلویزیون. این تلویزیون‌ها همیشه خاموش‌اند. قرار بر این بود که برای رصد شبکه‌های تلویزیونی و اطلاع از اخبار اینجا باشند؛ اما تنها زینت‌بخش دیوار کناری هستند. چندباری گروهی تلاش کردیم که به رسالت‌مانده بر دوش تلویزیون وفادار بمانیم، آن را روشن کردیم، شبکه‌ها را بالا و پایین کردیم. مثل روزی که بندر رجایی بندرعباس آتش گرفت. شبکه خبر مرجع نمایشی نظری بیفکنیم. این را همکار حوزه دیگر پیشنهاد داد. تلگرامی و سایت‌ها منتشر می‌شد لحظات نفسگیر آتش بود اما در شبکه خبر، اول زیرنویس، بعدتر یک خبر جزئی اعلام انفجار و آتش؛ باقیی پرداختن به دنیای خبرهایی بود که هیچ چیز تازه‌ای در آن نداشت. یا آن روز که تصمیم گرفتیم به تولیدات شبکه یک مشغول بازپخش سریال «تاریا» بود. از تصاویری که می‌دیدم سردر نمی‌آورد. نه بازی‌ها را درک می‌کردم، نه حتی طراحی لباس را. از خبر آثار نمایشی سیما هم گذشتیم. تنها یک چیز برایمان ماند. پخش فوتبال از شبکه سه. در تمام این دو ماه، تلویزیون‌ها گه‌گداری برای دیدن فوتبال‌های بسیار مهم، نه حتی کمی مهم روشن می‌شوند. ما هنوز هم تلویزیون نگاه می‌کنیم.

سال‌هاست تلویزیون نمی‌بینیم!

این تصویر ناشناخته‌ای برای هیچکس نیست. واقعیتی که از جمله روشنفکرانه «سال‌هاست تلویزیون نمی‌بینم» عبور کرده و حالا به واقعیت گستره وسیعی از مخاطبان رسیده است. برای اثبات این مدعا از جامعه آماری کوچک اطرافیان باید فراتر رفت. بهترین راه رسیدن به نتیجه، چیزی نیست جز آمارهایی که توسط روابط عمومی سازمان صدا و سیما منتشر می‌شود. با توجه به آمارهای منتشر شده حتی با اغماضی که از دیرزمان در اعداد وجود داشت، دیگر نیازی نیست که اصل این واقعیت که مخاطب از سیما دور شده را بار دیگر مورد سوال یا بحث قرار داد. آنچه حالا مورد پرسش است اینکه سیاست تحولی سازمان که دو سال گذشته به عنوان مهم‌ترین اولویت تلویزیون شناخته شد تا امروز که نزدیک به دو سال از آن گذشته، منتج به چه نتیجه‌ای شده است.

رسانه ملی در صعود مخاطب از جهان پیشی گرفت

اواخر سال گذشته، روابط عمومی سازمان صدا و سیما در یک نشست خبری از افزایش آمار مخاطبان این سازمان گفت. همان چیزی که رئیس سازمان نیز بارها بر آن اشاره و تأکید داشته است. محسن شاکری‌نژاد در نشست سراسری افق تحول رسانه ملی با عنوان «سیما در مسیر تحول» اعلام کرد: «میزان بیننده سیما از بهار ۱۴۰۲ با عدد ۵۹.۷ درصد، در تابستان ۱۴۰۳ به ۶۵.۲ رسیده است. تعداد مخاطبان سیما سیر صعودی گرفته است.» وی این صعود چشمگیر سازمان را در مقایسه با آمار کاهش تماشای تلویزیون‌های خطی دنیا، دس‌ت‌وارد می‌خواند. به گفته او در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ میزان تماشای محتوای این تلویزیون‌ها در دنیا از ۲۶۲ دقیقه به ۱۵۶ دقیقه کاهش پیدا کرده است. او علاوه بر عامل شبکه‌های اجتماعی که هم در کاهش

مخاطب جهانی و هم در کاهش مخاطب رسانه ملی موثر بوده است به نکته دیگری اذعان داشت. در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، مخاطب رسانه ملی کاهش پیدا کرد، اما نتیجه برنامه تحول رسانه ملی در نهایت توانست مخاطب از دست رفته را بازگرداند و منجر به افزایش نسبی آمار تماشاگران شود. شاکری‌نژاد در این نشست از یک تحول دیگر نیز یاد می‌کند. عدد بینندگان بخش خبر ۶۰.۴ درصد است. عددی که در ظاهر عجیب به نظر می‌رسد، اما رقم اعلامی روابط عمومی سازمان زمانی عجیب‌تر می‌شود که شاکری‌نژاد رشد مخاطبان رسانه‌های اجتماعی که عامل اصلی ریزش مخاطب تلویزیون در سراسر جهان است؛ را در ایران فقط ۱۳.۸ درصد بیشتر می‌داند؛ «در سال ۱۴۰۳، میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی ۷۴.۲ درصد بوده است».

سند تحول پیش از تصور متحول کرد

پیمان جبلی رئیس سازمان صدا و سیما که تنها چند ماه پس از حضور سند تحولی برای سازمان صدا و سیما تهیه کرد، کمتر از یک سال بعد، سند را تدوین و به مرحله اجرا گذاشت. سند با ۱۲ محور اصلی، با هدف عدالت‌گستری، گسترش مفاهیم انقلاب را در دستور کار خود معرفی کرده بود. این سند در سال ۱۴۰۱ اعلام رسمی شد و پس از آن همان‌طور که جبلی تأکید کرده بود، سازمان صدا و سیما تمرکزش را اول بر حوزه محتوایی قرار داد. گرچه از تدوین سند تحول تا اجرا و حصول نتیجه، بی‌تردید زمان نیاز است اما آنچه تاکنون اتفاق افتاده است دستیابی سریع به اهداف سند تحول بوده است!

تحولی از میراث گذشتگان آمد

در تمام طول تصدی پیمان جبلی بر مسند ریاست سازمان صدا و سیما، نقدهای فراوانی به او وارد شده است. اگرچه باید این حقیقت را مدنظر داشت که رسانه ملی رسیده به جبلی نیز درگیر ریزش مخاطب بود. پیش از سال ۱۴۰۰ که آخرین رئیس سازمان صدا و سیما برگزیده شود، سازمان به دو بحران اصلی خود رسیده بود. قهر مخاطب و سرمایه‌ها. بسیاری از چهره‌های شناخته شده

روزی که پیمان جبلی، برخلاف قاطعیت بر عدم نیازمندی به بازگشت چهره‌های سیما، به تیم تولیدکننده سریال «پایتخت» چراغ سبز نشان داد. گروهی که دیگر امید به بازگشت به تلویزیون نداشتند در یک قرارداد دور از انتظار هفتمین فصل سریال را ساختند و روی آنتن بردند. مردم تلویزیون‌ها را روشن کردند آن‌ها بار دیگر به رسانه ملی که گویی سال‌ها بود دیگر به آن اعتمادی نداشتند مجدد اعتماد کردند

سیما و صدا، سال‌های منتهی به دوران اخیر، دیگر حاضر به همکاری با سازمان نبودند. مدت‌ها بود که جامعه، از مخاطبان تا کارشناسان به این قهر ناخواسته پیش آمده واکنش نشان می‌دادند. خواست عمومی از رسانه ملی بازگرداندن چهره‌هایی بود که سرمایه اصلی سازمان و آن‌ها به حساب می‌آمدند. سیاست‌های کلان جاری در سازمان و نوع بازتعریف روابط میان سازمان و هنرمندان، نه تنها به نقاط درخشان پیشین بازنگشت که در میراث رسیده به دستان پیمان جبلی، این شکاف با سرعت بیشتری عمق پیدا کرد. جامعه حالا نظرات متفاوتی داشت. رئیس کنونی

سازمان صدا و سیما حتی همچون گذشتگان خواستی برای بازگشت به گذشته از خود نشان نمی‌داد. او قاطع این پیشنهاد را رد می‌کرد و تحول سازمان را در گرو چهره‌ها و هنرمندان نمی‌دانست. بااین وجود پیش از تدوین سند تحول، انتصاب‌های جبلی و تحولی که در برنامه‌سازی و سپردن آنتن به برنامه‌های مختلف انجام شده بود به تعبیری بر این اندیشه مهر تأیید زدند.

دست‌آشتی که یک‌بار موفق بود

با وجود اینکه امروز حرف زدن از راهکارهای بازگشت مخاطب به سیما، از نظر برخی عبث می‌رسد؛ اما قطعاً با تحولی در سند تحولی سازمان، بازگرداندن مخاطب کاری نه تنها دور از ذهن نیست که با وجود قدرت و بودجه در اختیار سازمان صدا و سیما با سرعتی بیش از انتظار قابل اجراست. نمونه این اتفاق در فروردین‌ماه ۱۴۰۴ رقم خورد. روزی که پیمان جبلی، برخلاف قاطعیت بر عدم نیازمندی به بازگشت چهره‌های سیما، به تیم تولیدکننده سریال «پایتخت» چراغ سبز نشان داد. گروهی که دیگر امید به بازگشت به تلویزیون نداشتند در یک قرارداد دور از انتظار هفتمین فصل سریال را ساختند و روی آنتن بردند. بسیاری با شنیدن خبر پخش فصل هفتم «پایتخت» از امکان آشتی مخاطب با صدا و سیما گفتند؛ اما آنچه در واقعیت اتفاق افتاد همه را شگفت‌زده کرد. مردم تلویزیون‌ها را روشن کردند. آن‌ها بار دیگر به رسانه ملی که گویی سال‌ها بود دیگر به آن اعتمادی نداشتند مجدد اعتماد کردند. آمارهای عجیب با هر قسمت تازه‌ای که از پایتخت روی آنتن می‌رفت اعلام می‌شد. از آمارهای اغماض شده تا آمارهایی که بدون دخل و تصرف و حتی خواست سازمان منتشر می‌شد. همه‌چیز خبر از تحول داشت و امید بازگشت به دوران شکوفایی صدا و سیما و اعتماد در میان مردم. پیمان جبلی همان زمان با اعلام افزایش آمار مخاطبان سیما مهر تأییدی بر این آشتی زد، اما با پایان پایتخت همه‌چیز تمام شد. نخستین اقدام خبر از عدم‌خواست کلان در تغییر می‌داد. نخستین شب پخش سسریال جایگزین پایتخت، سیما را با ریزش ۶۷ درصدی مخاطب مواجه کرد. گرچه پیمان جبلی «پایتخت» را «نمونه بارز همکاری موفق هنرمندان و رسانه ملی دانسته بود» که به دلیل تأکید سازمان بر تولید آثاری برای ترویج و تقویت هویت ایرانی، آداب و رسوم و وحدت ملی، از هنرمندان حمایت و امکان تولید را ایجاد می‌کند؛ اما نه تنها در زمان پخش سریالی که تلاش شد موفقیتش به نام سیما تمام شود (نه ویژگی‌های مختص خودش)؛ که حتی بعد از آن تاکنون نیز هیچ کدام از تولیدات دیگر نتوانستند آمار اعلامی مدیر روابط عمومی را اثبات کنند.

سنگر، سناریوی این روزهای صداوسیمما

چراپی این خواست عظیم در سازمان صدا و سیما را شاید بتوان در تحقیقی که مرکز تحقیقات سازمان صداوسیمما سال گذشته منتشر کرده، پیدا کرد. این مرکز سال گذشته، تحقیقی جامع در ۲۳۳ صفحه ارائه داده که در آن «سناریوهای آینده مخاطب صداوسیمما در افق پنج‌ساله» را مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق در توضیح ابتدایی موقعیت مخاطب با صدا و سیما را در چهار نوع سناریو و بر مبنای عواملی چون وضعیت طبقه متوسط، سیاست‌های رسانه‌ای سازمان، میزان رضایت از زندگی شناسایی کرده است. نکته قابل توجه در این تحقیق نقش رسانه ملی در مواجهه با جامعه در چهار مدل



کارخانه‌ای که تولیداتش دیگر اثر ندارد

چراپی بازنگری به چکیده‌ای از پژوهش مرکز تحقیقات صداوسیمما شاید بهترین جواب برای رسیدن به این سوال باشد که «چرا تلویزیون‌ها خاموش‌اند؟» در شرایطی که مدیران سازمان صدا و سیما در بازدهی‌اشان از پروژه‌های کوچک و بزرگ خودشان، یا در جلسات پرسش و پاسخ که گاه و بی‌گاه برگزار می‌کنند؛ مداوم از پیشرفت چشمگیر رسانه ملی می‌گویند. پیشرفتی که چه در محتوا مورد تأکید رئیس کنونی «سازمان صدا و سیما کارخانه تولید محتواست»، چه در تأثیرگذاری که به واسطه آمارهای اعلامی روابط عمومی و مرکز افکارسنجی سازمان بیرون می‌آید؛ همگی قابل اثبات هستند. اما آنچه در میان حرف‌های مدیران سازمان وجود ندارد، یا در آمارها به واسطه اغماض کنار گذاشته می‌شود، عدم اعتماد و استقبالی است که نسبت به رسانه ملی وجود دارد.

قابی که سازمان را در خود فروبرد

در چنین شرایطی دسترسی به مدیران سازمان، کمی بیش از تصور سخت و دور است. برای پرسشگری و رسیدن به پاسخ، باید در انتظار اخبار روابط عمومی سازمان ماند. تا در یک دیدار و یا یک نشست عمومی بتوان حرف‌های سازمان صدا و سیما را از رئیس تا مدیران شبکه شنید. سختی رسیدن به مدیران نه برای بررسی همه‌جانبه سیاست‌های کلان یا سند تحول، که برای پرسش‌های عادی‌تر هم وجود دارد. از پرسش در خصوص تصمیماتی که رسانه ملی برای انجام پروژه‌های مشترک با سایر کشورها گرفته است. کشورهایی مثل تاجیکستان، پاکستان، ترکمنستان و آذربایجان که به دلیل قربایت فرهنگی با ایران به همکاری مشترک در تولیدات دعوت شدند؛ تا حتی نتیجه آشتی با چهره‌ها که سرانجام به کجار رسید. گویا رئیس سازمان و مدیران ارشد و میانی همگی در قاب تلویزیون ایستاده‌اند و ما تنها نظاره‌گر اقدامات، سخنان و تصمیمات‌شان هستیم.

ممکن در سال‌های اخیر است. سناریو نخست با نام «وجاهت» معرفی شده است. رسانه در وضعیت جذب حداکثری، نهادهای مدنی فعال، سطح مشارکت اجتماعی جامعه قابل قبول، میزان رضایت از زندگی مناسب و در نتیجه اعتماد به رسانه و نهادهای فرهنگی نیز بالاست. سناریو دوم «تنش» نامگذاری شده است. در این نمونه تحریم، تورم، مشکلات اقتصادی و معیشتی عامل

واقعیتی که از جمله روشنفکرانه «سال‌هاست تلویزیون نمی‌بینم» عبور کرده و حالا به واقعیت گستره وسیعی از مخاطبان رسیده است. برای اثبات این مدعا از جامعه آماری کوچک اطرافیان باید فراتر رفت. بهترین راه رسیدن به نتیجه، چیزی نیست جز آمارهایی که توسط روابط عمومی سازمان صدا و سیما منتشر می‌شود

نارضایتی از زندگی و بی‌اعتمادی عمومی می‌شود. صدا و سیما در این وضعیت با گسترش گفت‌وگوی ملی با افراد معتقد و مطمئن سعی در از بین بردن اثرات تنش دارد. سناریوی سوم «مقاومت» است. نهادهای مدنی محدود، میزای مشارکت و اعتماد عمومی پایین، همچنان تأثیر تحریم و تورم بر زندگی اقتصادی و معیشتی باعث کاهش رضایت از زندگی است. در این نوع طبقه متوسط از نقش اصلی خود به عنوان بازیگر اصلی عرصه فرهنگی- اجتماعی دور شده و به یک بیننده تبدیل می‌شود. در این شرایط رسانه در اختیار وفاداران و معتمدان نظام قرار می‌گیرد. سناریوی چهارم به نام «سنگر» معرفی شده است. وضعیت در این سناریو شبیه سناریوی اول است. اما حضور طبقه متوسط به عنوان بازیگران اصلی در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نقش موثر در تولید و توزیع محتوا برای عموم جامعه بالاست. سازمان با وجود و پرتیرنی که نمایشی از فضای باز است به تقابل با گفتمان‌های جاری در جامعه می‌پردازد.



قطعه «فلک الافلاک» ساخته کامبیز روشن‌روان در قلعه فلک‌الافلاک اجرا می‌شود

طنین حماسه در قلعه باستانی

● ارکستر سمفونیک تهران با رهبری «نصیر حیدریان» نوایی از جنگ را می‌نوازد



سما بابائی
هفت صبح

در آستانه روز ملی لرستان و در قلعه تاریخی فلک‌الافلاک، قطعه‌ای به همین نام با آهنگ‌سازی استاد کامبیز روشن‌روان اجرا می‌شود. اثری ارکسترال و حماسی، در چهار موومان که می‌توان آن را یک روایت موسیقایی از سال‌های دفاع مقدس دانست. این اتفاق با همراهی ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نصیر حیدریان در روز پنجشنبه اول خرداد رخ خواهد داد و بدین وسیله این ارکستر برای نخستین‌بار در تاریخ خود در این مکان به اجرای برنامه می‌پردازد. «فلک‌الافلاک» که در سال ۱۳۷۷ توسط روشن‌روان نوشته شده، قطعه‌ای است روایی، پرشور و مبتنی بر الگوهای موسیقی کلاسیک غربی با درون‌مایه‌ای بومی و ملی. موومان‌های آن، به ترتیب نماد آرامش پیش از جنگ، غم و ویرانی، شور بسیج و در نهایت پیروزی هستند. فرم و محتوایی که از منظر موسیقی‌شناسی، نوعی روایت دراماتیک-سمفونیک را پیش می‌کشد. نخستین خبر از تلاش برای اجرای این اثر در فلک‌الافلاک، دی‌ماه ۱۴۰۰ منتشر شد. هرچند به دلیل همزمانی با شرایط کرونایی کشور در آن سال عملی نشد. در نهایت قرار بود این سمفونی در اردیبهشت ۱۴۰۳ هم‌زمان با روز ملی خرم‌آباد اجرا شود؛ اما این بار نیز به دلایلی نامشخص به تعویق افتاد. اکنون پس از سه سال انتظار، «فلک‌الافلاک» به سان سندی صوتی از حافظه جمعی ملتی که زخم خورد، اما ایستاد، اجرا می‌شود.

فلک الافلاک
ارکستر سمفونیک تهران



اثر: کامبیز روشن‌روان / رهبر: نصیر حیدریان

فلک الافلاک و نگاهِ آوانگاردِ آهنگ‌ساز

کامبیز روشن‌روان، آهنگ‌ساز برجسته ایرانی که پیشینه‌ای از نوازندگی در ارکستر ژوئیس موزیکال و تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را در کارنامه دارد، پس از کسب مدرک ممتاز در رشته آهنگ‌سازی از دانشگاه کالیفرنیا (USC) در بازگشت به ایران وارد دوره‌ای خلاق از آهنگ‌سازی‌اش شد. او در این دوران با نگاهی نوگرایانه، تلاش کرد موسیقی ارکسترال را با مولفه‌های بومی و فرهنگی ایران پیوند دهد. این هدف او در موومان اول قطعه «فلک‌الافلاک» محقق شد و روشن‌روان برای نخستین‌بار تکنیک‌هایی نوین از آهنگ‌سازی و ارکستراسیون را در بافت موسیقی خود به کار برد. از جمله می‌توان به بخش‌هایی از قطعه اشاره کرد که در آن‌ها سازهای ارکستر در حالتی روباتی، با آزادی کامل نسبت به ریتم و زمان‌بندی و بدون تبعیت از الگوی ثابت، در سرعتی بالا می‌نوازند. این آزادی در زمان و اجرای هم‌زمان آزادانه سازها، نوعی آوانگاردیسم را وارد فضای موسیقی کلاسیک ایرانی کرد که کمتر پیشینه‌ای در آن داشت.

موسیقی نواحی و فلک‌الافلاک

ایران از منظر تنوع موسیقایی نواحی، یکی از استثنایی‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. موسیقی محلی ایران نه تنها گنجینه‌ای شنیداری، بلکه سندی زنده از تاریخ، فرهنگ، آیین‌ها و زیست اجتماعی مردمان گوناگون این سرزمین است. گنجینه‌ای که عمدتاً به شکل شفاهی و سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به نوعی نقش حافظه تاریخی و فرهنگی اقوام ایرانی را ایفا کرده است.

یکی از وجوه شگفت‌انگیز موسیقی نواحی ایران، تنوع بی‌نظیر آن در سازها، ساختارهای ملودیک، ریتم‌ها، مقام‌ها و کاربردهای آیینی و روزمره است. موسیقی خراسان، کردستان، گیلان، مازندران و دیگر مناطق، هر یک جهان مستقلی از بیان موسیقایی را نمایندگی می‌کنند.

نسبت فلک‌الافلاک با موسیقی جهانی



قطعه فلک‌الافلاک از یک سو با بهره‌گیری از سازبندی کلاسیک غربی و فرم سمفونیک در بستری قرار دارد که مخاطب بین‌المللی با آن آشناست. از سوی دیگر روشن‌روان با گنجاندن المان‌هایی از موسیقی ایرانی، چه در مدگرایی، چه در ملودی بردازی و چه در حس و حال دراماتیک اثر، توانسته پلی میان موسیقی هنری غرب و ریشه‌های فرهنگی ایران ایجاد کند.



در موسیقی جهانی، توجه به هویت بومی در قالب‌های بین‌المللی یک اصل اساسی در آثار آهنگسازان معاصر است. آهنگسازانی چون بارتوک، خاچاتوریان، یا حتی شوستاکوویچ، نمونه‌هایی از تلفیق زبان موسیقی جهانی با سنت‌های ملی خود ارائه داده‌اند. در همین مسیر، روشن‌روان نیز با سمفونی فلک‌الافلاک، روایتی ایرانی اما جهانی‌شده از تجربه تاریخی و روحی یک ملت ارائه می‌دهد.



فلک‌الافلاک نه فقط یک اثر ارکسترال ایرانی، بلکه تلاشی است برای ورود به گفت‌وگو با جهان از طریق زبان مشترک موسیقی، بی‌آنکه هویت بومی خود را از دست دهد. استفاده از تکنیک‌های معاصر در کنار تم‌هایی الهام‌گرفته از میراث فرهنگی لرستان (نام سمفونی برگرفته از قلعه تاریخی در خرم‌آباد است)، به آن هویتی دوگانه می‌دهد: جهانی و محلی.

موسیقی نواحی در آهنگ‌سازی مدرن

در سال‌های اخیر، این پرسش مطرح بوده که آیا نغمات محلی ایران ظرفیت بهره‌داری در آهنگ‌سازی آکادمیک و مدرن را دارند؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در تجربه بسیاری از آهنگ‌سازان برجسته ایرانی چون ابوالحسن صبا، فرهاد فخرالدینی، محمد میرزamani، محمدرضا درویشی و بسیاری دیگر جست‌وجو کرد که در آثارشان، چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم از موسیقی نواحی الهام گرفته‌اند. در این میان، سمفونی فلک‌الافلاک اثر کامبیز روشن‌روان، نمونه‌ای شاخص از تلفیق هوشمندانه موسیقی نواحی با ساختار سمفونیک غربی به شمار می‌رود. این اثر در چهار موومان تنظیم شده و به‌طور مشخص از موسیقی لرستان الهام گرفته، به ویژه از قطعه معروف دایه دایه. روشن‌روان با بهره‌گیری از نغمه‌ها و فواصل خاص موسیقی لری، موفق شده است فضایی ارکسترال خلق کند که در عین داشتن ساختار جهانی، ریشه در خاک ایران دارد.

درباره فلک‌الافلاک از زبان آهنگ‌ساز

فلک‌الافلاک، سمفونی چهار موومانی ساخته کامبیز روشن‌روان، در عین برخورداری از زبان موسیقی کلاسیک جهانی، به طرز عمیق در تجربه تاریخی، احساسی و فرهنگی ملت ایران در دوران جنگ تحمیلی ایران و عراق ریشه دارد. روشن‌روان در یادداشت‌های همراه با پارتیتور، این سمفونی را توصیفی موسیقایی از سیر وقایع جنگ و واکنش‌های درونی ملت ایران می‌داند. موومان اول با یک تم آرام، شفاف و لطیف آغاز می‌شود که نماد «آرامش و معصومیت مردمی است که بعداً مورد تجاوز رژیم عراق قرار گرفتند».

در موومان دوم، آهنگ‌ساز با استفاده از خطوط ملودیک غم‌انگیز، رنگ آمیزی تاریک ارکستر و تم‌هایی دراماتیک، «ناراحتی و اندوه مردم از ویرانی‌ها و از دست‌دادن فرزندان شهیدشان» را تصویر می‌کند. در کنار غم، نشانه‌هایی از امید و ایستادگی نیز در این موومان حضور دارد. موومان سوم با عنوان «بسیج» پر تحرک‌ترین و حماسی‌ترین بخش اثر است. ریتم‌های کوبنده، رنگ آمیزی پر قدرت برنج‌ها و کوبه‌ای‌ها و تم‌های مارش گونه، فضای رزم، فداکاری و انگیزش عمومی را تداعی می‌کنند. روشن‌روان حضور نیروهای مردمی بسیج را محور اصلی این بخش قرار داده و آن را ستایش می‌کند: «نیروی که با حضور شهادت‌طلبانه خود در جبهه‌های جنگ، حماسه‌های جاودانه آفرید». این موومان نقش اتصال‌دهنده‌ای به بخش پایانی سمفونی دارد و زمینه‌ساز حال‌وهوای پیروزی در موومان چهارم می‌شود.

موومان چهارم بازتاب‌دهنده پیروزی، امید و پایان بخشی است. گویی پس از تجربه تاریکی و محاسه، نوای موسیقی بار دیگر به روشنائی می‌گراید.

گفت‌وگو با کامبیز روشن‌روان به بهانه اجرا در قلعه فلک‌الافلاک

از صدای مرگ تا ساخت فصل جدیدی در هارمونی

قطعه فلک‌الافلاک را باید در ادامه مسیر منطقی آهنگ‌سازی روشن‌روان مشاهده کرد. مسیری که از همان سال‌های نخست فعالیتش در عرصه موسیقی و حتی قبل‌تر در زمان آموزش نیز مشاهده می‌شد.

مقبولیت در هنرهای زیبا

نقد اساتید بزرگ

«وقتی در هنرستان هنرهای زیبا بودم، تمرینات هارمونی‌ام در بین اساتید می‌چرخید و کسی ایرادی در آن‌ها نمی‌دید، اما بعدها اساتید بزرگ مانند استوار، پور تراب یا دهلوی می‌گفتند این چیزی که تو نوشته‌ای اصلاً شباهتی به هارمونی سنتی ندارد.» این گفته‌های روشن‌روان است. مسیری که او در دوران فعالیتش در عرصه موسیقی طی کرده تا امروز که به یکی از اساتید برجسته تبدیل شده است.

مسیر آهنگ‌سازی علمی تغییر کرد

روشن‌روان از همان ابتدا به این نتیجه رسید که آنچه در متون مرسوم آموزش داده می‌شود، برای آهنگ‌سازی عملی کارآمد نیست: «در کتاب‌ها چیزی یاد می‌دادند که در هیچ اثر موسیقایی واقعی نمی‌دیدم. پس باید به دنبال هارمونی‌ای می‌رفتم که من را به آهنگ‌سازی واقعی برساند.» بر همین مبنا روش تدریس ویژه‌ای را ابداع کرد که بعدها آن را در کتابی تألیفی مدون کرد. کتابی که به گفته خودش امروز «کامل‌ترین کتاب هارمونی نوشته شده در ایران» است و اکنون در مدارس و دانشگاه‌های موسیقی تدریس می‌شود.

انفجار فکری

تلفیق موسیقی سنتی با ارکستر غربی

روشن‌روان در دوران تحصیل در آمریکا با فضای موسیقی معاصر جهانی آشنا شد، او این تجربه را «نوعی انفجار فکری» می‌داند که برایش به وجود آمد. در این دوران، آثار مهمی چون کنسرتو فلوت را نوشت. اثری که هنوز هم از آن به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار سازی در موسیقی ایران یاد می‌شود، اما مسیر او از ابتدا با تلفیق همراه بود: «حتی زمانی که در هنرستان بودم، کار من ترکیب سازهای ایرانی با سازهای کلاسیک غربی بود. موسیقی من مبتنی بر سنت و فرهنگ خودمان بود، اما برای بیان قوی‌تر از امکانات ارکستر غربی هم استفاده می‌کردم.»

تلفیق، شکستن مرزهای غیرممکن

او باور دارد که این تلفیق، تلاشی برای شکستن مرزهای غیرممکن موسیقی ایرانی بوده است: «مثلاً برای عبور از دستگاه ماهر به شور، فقط گوشه دلکش نیست. من دنبال راه‌های تازه می‌گشتم. در مرکب‌نوازی‌ها مسیرها را تغییر می‌دادم و راه‌هایی پیدا می‌کردم که هم ساده‌تر باشند و هم خوش‌صداتر.»

صدای مرگ از قطعه کسایی

در ارکستر ملی

روشن‌روان از شناخت عمیق خود نسبت به هر دو فرهنگ موسیقایی، بهره برده تا «هارمونی ایرانی»ای ابداع کند که هم با ساختار مقامی سازگار باشد و هم ظرفیت ارکسترال داشته باشد.

یکی از نمونه‌های برجسته این نگاه خلاقانه، تنظیم قطعه هشت بهشت از استاد حسن کسایی برای ارکستر ملی است. فخرالدینی پس از دریافت پارتیتور ابتدا نگران شد و آن را «صدای مرگ» توصیف کرد اما بعد از اجرا، خود او به روشن‌روان گفت که «اگر غیر از این بود، اشتباه بود.» این تجربه به خوبی نشان می‌دهد که چگونه نگاه نوآورانه روشن‌روان، حتی برای متخصصان نیز در نهایت اقناع‌کننده و اثربخش است.

تجربه‌گرایی فدای مخاطب عام

بازگشت روشن‌روان به ایران مصادف با انقلاب و تعطیلی ساختارهای رسمی موسیقی بود. او در سال ۱۳۵۸ به کشور بازگشت: «در آن زمان نه ارکستری وجود داشت، نه شنونده‌ای برای موسیقی آوانگارد. حتی پایان‌نامه‌ام را بدون وجود ارکستر و گروه اجرا کردم.» در چنین فضایی، او ناچار شد بخشی از تجربه‌گرایی خود را کنار گذاشته و به آهنگ‌سازی برای مخاطب عام بپردازد. با این حال، این به معنای ترک مسیر شخصی‌اش نبود بلکه تطبیقی بود برای بقا، ارتباط و تأثیرگذاری.

معمار «نگاه ترکیبی» موسیقی معاصر

روشن‌روان را می‌توان آهنگ‌سازی دانست که همواره میان دو جهان حرکت کرده: موسیقی «دستگاهی ایران» و موسیقی آکادمیک غرب. او تلاش کرده نه تنها در آثارش، بلکه در آموزش و نظریه پردازی، پلی میان این دو جهان بسازد. از تدریس خلاقانه هارمونی تا تنظیم‌های نوآورانه، از موسیقی معاصر تا موسیقی عامه‌فهم، از کتاب‌نویسی تا آهنگ‌سازی سمفونیک، همه این وجوه نشان می‌دهد که کامبیز روشن‌روان نه فقط یک آهنگ‌ساز، بلکه معمار یک نوع «نگاه ترکیبی» در موسیقی معاصر ایران است.

گزارشی از قیمت گذاری با معیارهای نامعلوم برای خودروهای مونتاژی

چینی‌های ایرانی گران‌تر از نسخه اصلی



متین شبیری
هفت‌صبح

در بازار خودروی ایران، یک تناقض بنیادین بار دیگر خود را نشان می‌دهد: خودروهای چینی که در بازارهای جهانی به‌عنوان گزینه‌هایی اقتصادی به حساب می‌آیند، در ایران با قیمتی بعضاً بالاتر از نسخه‌های وارداتی و حتی رقبای اروپایی عرضه می‌شوند. خودروهایی چون تیگو ۸ پرو مکس، فونیکس FX، دیگنیتی پرستیتو یا فیدلیتی پرایم، هم‌اکنون با پرچسب‌هایی تا بیش از یک میلیارد تومان بالاتر از قیمت جهانی در بازار داخلی فروخته می‌شوند.

«**پریش محوری اینجاست: چگونه ممکن است نسخه مونتاژی، گران‌تر از نسخه وارداتی باشد؟**

در عرف اقتصادی، خودروی مونتاژ داخل به دلیل حذف هزینه‌های حمل‌ونقل، تعرفه واردات و کاهش سود واسطه‌ها، باید قیمت تنهایی پایین‌تری نسبت به نمونه وارداتی داشته باشد. اما در ایران، این معادله به شکلی معکوس عمل می‌کند. به‌عنوان نمونه، تیگو ۸ پرو مکس در بازار چین قیمتی در حدود ۲۳ هزار دلار دارد؛ با محاسبه هزینه‌های حمل و سود متعارف، انتظار می‌رود این خودرو در بازار ایران با قیمتی کمتر از ۱۵ میلیارد تومان عرضه شود. با این حال، نسخه مونتاژی این خودرو با برند فونیکس، تا سقف ۲۴ میلیارد تومان نیز به فروش می‌رسد.

«**شورای رقابت و وزارت صمت کجا هستند؟**

سؤال عجیبی که در این زمینه به وجود می‌آید، این است که نهادهای ناظر مانند شورای رقابت، برای صدور اجازه افزایش قیمت خودروهای خودروسازان دولتی، گاهی تا ۶ ماه مانند سال گذشته مقاومت می‌کردند اما گویا در سوی دیگر ماجرا، داستان کاملاً متفاوت است. البته هیچ مشکلی در وجود بازار آزاد وجود ندارد؛ به شرطی

چهار چرخ

نیسان آرما‌دا ۲۰۲۵؛ SUV فول‌سایز ژاپنی

نیسان آرما‌دا ۲۰۲۵ یک SUV فول‌سایز س‌ر‌دیف‌ه است که با تغییرات گسترده در طراحی، قوای محرکه و فناوری کابین، جایگاه خود را در بازار رقابتی خودروهای بزرگ تثبیت کرده است. مهم‌ترین تغییر این نسل کنار گذاشتن موتور V۸ و جایگزینی آن با پیش‌رانه ۲.۵ لیتری شش سیلندر توربو است. این موتور جدید که برگرفته از فناوری GT-R است، ۴۲۵ اسب بخار قدرت و ۵۱۶ پوند-فوت گشتاور تولید می‌کند؛ یعنی افزایش قابل توجهی نسبت به نسل قبلی با ۲۵ اسب بخار و ۱۰۳ پوند-فوت گشتاور بیشتر. این پیش‌رانه توانایی جابه‌جایی بدنه ۲.۷۷۲ کیلوگرمی آرما‌دا را با شتاب حدود ۶ ثانیه از صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت دارد.

«**پیش‌رانه قدرتمند و گیربکس پیشرفته**

نیسان این قدرت را از طریق جعبه‌دنده ۹ سرعته اتوماتیک به چرخ‌های عقب منتقل می‌کند، در حالی که نسخه‌های چهار چرخ محرک هم برای خرداران در دسترس است. ظرفیت یک‌کشی این خودرو به ۵۵۰۰ پوند می‌رسد که نشان از توان بالای آن در حمل بار و تجهیزات سنگین دارد. انتقال قدرت نرم و هوشمند، رانندگی در مسیرهای سنگین را هموارتر از همیشه می‌سازد.

«**طراحی ظاهری تهاجمی و مدرن**

از نظر طراحی ظاهری، آرما‌دا ۲۰۲۵ کمی کوتاه‌تر از رقبایی مانند شورلت تاهو و ج‌ام‌سی یوکان است اما به لطف تناسب عمودی و خطوط تیز بدنه، جلوه‌ای بزرگ‌تر و قدرتمندتر دارد. سایز رنگ‌ها بین ۱۸ تا ۲۲ اینچ متغیر است و مدل‌های لوکس‌تر مانند پلاتینوم رزرو با تزئینات کرومی جل‌پنجره و بدنه، جلوه‌ای مجلل ارائه می‌دهند، در حالی که مدل FX-Pro با ۲۱ ترم مشکی و نارنجی ظاهری اسپرت‌تر دارد.

«**فضای داخلی و راحتی؛ نقطه ضعف در برابر رقا**

فضای داخلی آرما‌دا در دیف‌سوم از رقبای عقب‌تر است و فضای پای ۸۳.۵ سانتی‌متری و فضای سر ۹۱.۹ سانتی‌متری نسبت به شورولت تاهو و فورد اکسپدیشن کمتر است. فضای بار عقب نیز ۲۰۴ فوت مکعب است که با خواباندن صندلی‌ها به ۹۷.۱ فوت مکعب افزایش می‌یابد. کابین آرما‌دا تحولی بزرگ داشته است. نمایشگرهای ۱۲.۳

آمبر

بیشترین کاهش داخلی					
۱	پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU۵۲-1۴۰۴	۲۰-	۱۰۱۵میلیون تومان		
۲	سهندندندای بنزینی-۱۴۰۳	۱۵-	۵۵۵میلیون تومان		
۳	پارس پلاس EE۷ دوگانه‌سوز-۱۴۰۴	۱۰-	۹۱۵میلیون تومان		
۴	آرسان ۲-۱۴۰۳	۱۰-	۵۵۵میلیون تومان		
۵	سانایندندای بنزینی-۱۴۰۳	۱۰-	۲۷۵میلیون تومان		

بیشترین کاهش داخلی					
۱	دنا پلاس توربو اتوماتیک (۱۴۰۴)	۱۰-	۱۰۱۷میلیون تومان		
۲	دنا پلاس توربو اتوماتیک (۱۴۰۳)	۱۰-	۱۰۱۳میلیون تومان		
۳	اطلس G دنده‌ای-۱۴۰۴	۵-	۶۳۰میلیون تومان		
۴	سانای ۱۵ اتوماتیک-۱۴۰۳	۵-	۶۰۵میلیون تومان		
۵	پراید ۱۵۱ ۱۴۰۳ SE۱	۵-	۳۸۰میلیون تومان		

بیشترین کاهش خارجی					
۱	کی‌ام‌سی TA- ۱۴۰۴	۲۰-	۱۰۹۵میلیون تومان		
۲	ام‌وی‌ام سی T۹- ۱۴۰۳	۲۰-	۲۰۸۵میلیون تومان		
۳	کی‌ام‌سی ۱۷ ساده- ۲۰۲۴	۲۰-	۱۰۴۱میلیون تومان		
۴	کی‌ام‌سی ۱۷ پلاس- ۲۰۲۴	۲۰-	۱۰۴۵میلیون تومان		
۵	کی‌ام‌سی A۵- ۱۴۰۳	۲۰-	۱۰۸۵میلیون تومان		

بیشترین کاهش خارجی					
۱	فونیکس تیگو۷ پرو پریمیوم-۱۴۰۴	۱۰-	۲۰۳۵میلیون تومان		
۲	ام‌وی‌ام X۳۳ کراس دنده‌ای-۱۴۰۳	۱۰-	۱۰۱۲میلیون تومان		
۳	ام‌وی‌ام X۳۳ کراس اتوماتیک-۱۴۰۴	۱۰-	۱۰۱۷میلیون تومان		
۴	ام‌وی‌ام X۳۳ کراس اتوماتیک-۱۴۰۳	۱۰-	۱۰۲۰میلیون تومان		
۵	چری آر۱۵۰ ۵T اسپرت-۱۴۰۳	۱۰-	۱۵۲۰میلیون تومان		

بازتاب

پیگیری رسانه‌ای به نتیجه رسید

حرکت دیر هنگام اما ضروری؛ مرکز آزمون تصادف خودرو تا تابستان راه‌اندازی می‌شود

در پی انتشار گزارش انتقادی روزنامه هفت‌صبح درباره فقدان نظام ارزیابی ایمنی در خودروهای داخلی و تأخیر طولانی مدت در تأسیس مرکز تست تصادف، حالا سردار سید تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا، از راه‌اندازی قریب‌الوقوع این مرکز در خردادماه ۱۴۰۴ خبر داده است.

براساس اظهارات تازه سردار حسینی، یکی از اصلی‌ترین مطالبات پلیس راهور از خودروسازان، ارتقای ایمنی و استحکام بدنه خودروها بوده است. وی تأکید کرده که خودرو، علاوه‌بر نقش بازدارنده در بروز تصادف، باید در لحظه وقوع حادثه نیز نقش مؤثری در حفظ جان سرنشینان ایفا کند. این مهم، به طراحی دقیق اجزایی مانند بدنه، ستون‌ها، شیشه‌ها، کیسه هوا، کمربند ایمنی و حتی صندلی‌ها بستگی دارد.

سردار حسینی صریحاً به خلأی کشور در زمینه ارزیابی ایمنی خودروها اذعان کرده و گفته است که راه‌اندازی مرکز آزمون تصادف (کراش تست) می‌تواند نقطه شروعی برای اصلاح فرآیندهای تولید باشد. به گفته او، خودروهایی که نتوانند از آزمون‌های سخت‌گیرانه این مرکز سربلند بیرون بیایند، نباید مجوز شماره‌گذاری دریافت کنند. این، تغییری معنادار در سیاست‌گذاری صنعت خودروی کشور تلقی می‌شود؛ هرچند همچنان اجرای عملی آن مستلزم نظارت مستمر و جلوگیری از مداخله نهادهای ذی‌نفع است.

از دیگر نکات قابل توجه در اظهارات رئیس پلیس راهور، تأکید بر لزوم حذف خودروهای ناایمن از خطوط تولید بود. وی یادآور شد که در گذشته و در غیاب ابزار تخصصی تست تصادف، خودروهایی نظیر پراید، پژو ۴۰۵ و سمند با استناد به داده‌های میدانی تصادفات از مدار تولید خارج شدند. اکنون اما با افتتاح مرکز آزمون تصادف، مسیر علمی‌تری برای این تصمیم‌گیری‌ها فراهم خواهد شد.

بااین حال، کارشناسان معتقدند بهره‌برداری موفق از این مرکز مشروط به سه اصل کلیدی است: استقلال اجرای از خودروسازان و نهادهای صنعتی، شفافیت در انتشار عمومی نتایج تست‌ها و الزام قطعی خودروسازان به انجام اصلاحات پیش از تولید انبوه.

روزنامه هفت‌صبح ضمن استقبال از این اقدام دیر هنگام، تأکید می‌کند که تضمین موفقیت این طرح در گرو اجرای واقعی، نه صرفاً افتتاح نمادین آن است. پیگیری‌های رسانه‌ای همچنان ادامه دارد؛ چراکه آنچه در خطر است، جان شهروندانی‌ست که هر روز با خودروهایی ناایمن در جاده‌ها تردد می‌کنند.

تعمیرگاه

علائم خرابی تسمه دینام و زمان تعویض آن

تسمه دینام یکی از قطعات کلیدی در سیستم فنی خودرو محسوب می‌شود که وظیفه انتقال نیروی مکانیکی از موتور به اجزای مختلفی همچون دینام، کمپر سوز، کولر، پمپ هیدرولیک فرمان و در برخی خودروها، واکمپ را بر عهده دارد. با توجه به نقش حیاتی این قطعه، خرابی یا پارگی آن می‌تواند تبعات گسترده‌ای به دنبال داشته باشد که گاه منجر به خواب کامل خودرو و ایجاد هزینه‌های سنگین برای مالک می‌شود.

«**نشانه‌های خرابی و زمان تعویض تسمه دینام**

از مهم‌ترین علائم فرسودگی یا خرابی تسمه دینام می‌توان به شنیده شدن صدای سوت یا جینگ هنگام روشن کردن خودرو یا افزایش دور موتور، کاهش بازدهی سیستم فرمان هیدرولیک، کاهش شدت نور چراغ‌ها، از کار افتادن سیستم تهویه و کولر و گاه بالا رفتن دمای موتور اشاره کرد. مشاهده ترک، پوسیدگی، نخ‌مانا شدن یا شل بودن تسمه نیز از نشانه‌های فیزیکی است که لزوم تعویض آن را یادآور می‌شود.

عمر مفید تسمه دینام به‌طور میانگین بین ۶۰ تا ۱۰۰ هزار کیلومتر تخمین زده می‌شود. بااین حال شرایط محیطی، کیفیت قطعه، نحوه رانندگی و میزان فشار وارد بر خودرو، در تعیین زمان دقیق تعویض موثر هستند. توصیه می‌شود در بازه‌های ۱۵ تا ۲۰ هزار کیلومتر یا هنگام سرویس دوره‌ای خودرو، وضعیت تسمه دینام مورد بررسی قرار گیرد.

«**عواقب نادیده گرفتن خرابی تسمه دینام**

پارگی یا خرابی تسمه دینام می‌تواند منجر به از کار افتادن ناگهانی سیستم شارژ خودرو، سفت شدن فرمان، خاموش شدن کولر و در مواردی، جوش آوردن موتور شود. چنین شرایطی نه تنها هزینه‌بر، بلکه برای راننده و سرنشینان نیز خطر آفرین خواهد بود؛ به‌ویژه اگر در مسیرهای طولانی یا شرایط آب‌وهوایی نامناسب رخ دهد. چگونه تا بروز این مشکل پیشگیری کنیم؟ برای جلوگیری از خرابی تسمه دینام و به‌تبع آن، کاهش مرمراجعات غیر ضروری به تعمیرگاه، بهتر است ضمن استفاده از قطعات استاندارد و باکیفیت، سرویس‌های دوره‌ای خودرو را جدی بگیرید. همچنین با دقت به صداهای غیرعادی موتور و بررسی ظاهری تسمه در هر بازدیدی، می‌توان پیش از وقوع مشکل، نسبت به رفع آن اقدام کرد. در شرایط اقتصادی فعلی، هوشمندی در نگهداری خودرو می‌تواند نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های ناگهانی و سنگین داشته باشد.

کلاس خودرو

سگمنت LCV؛ کارگرهای سبک‌وزن جاده‌ها، بی‌سروصدا اما حیاتی

خودروهای LCV یا «سایل نقلیه تجاری سبک» ستون فقرات حمل‌ونقل سبک در دنیای امروز هستند؛ به بزرگی و سنگینی کامیون‌ها، نه به سبکبالی خودروهای سواری. این دسته از خودروها به‌طور خاص برای استفاده‌های تجاری، شهری و نیمه‌صنعتی طراحی شده‌اند و نقش واسطی بین وانت‌های ساده و کامیونت‌ها ایفا می‌کنند. ویژگی شاخص LCVها وزن ناخالص کمتر از ۳.۵ تن آنهاست. این یعنی برای رانندگی‌شان به گواهینامه پایه یک یا تجهیزات خاص نیازی نیست. همین باعث شده که در شهرها و جاده‌های فرعی، بدون محدودیت تردد کنند و از نظر هزینه نگهداری و مصرف سوخت هم مقرون به‌صرفه باشند کاربرد این خودروها بسیار گسترده است: از حمل بار مغازه‌ها، انبارها و کارگاه‌ها گرفته تا توزیع مویرگی فروشگاه‌های آنلاین، یا حتی خدمات سیار مانند تعمیرات، خدمات ساختمانی و کارگاه‌های سیار. به همین دلیل، این سگمنت عملاً یک ابزار اقتصادی زنده برای بسیاری از مشاغل محسوب می‌شود. در بازار ایران، خودروهایی مثل پراید وانت، آرسان ۲، کارا ۲۰۰ و وانت پادرا نمونه‌هایی از LCVهای ساده و مقرون به‌صرفه‌اند. در سطح جهانی، مرسدس بنز اسپرینتر، رنو مستر، فورد ترانزیت، فولکس ترنسپورتر و تویوتا هایلوک کاری از مطرح‌ترین مدل‌های این سگمنت هستند که در اروپا و آسیا فروش بالایی دارند. برخلاف ظاهر بی‌ادعای این خودروها، فناوری در آنها روزبه‌روز پیشرفته‌تر می‌شود. بسیاری از مدل‌های جدید LCV، به سیستم‌های ایمنی مدرن، کنترل پایداری، مانیتورینگ راننده و حتی پیش‌رانه‌های برقی یا هیبریدی مجهز شده‌اند تا بتوانند در بازارهای سخت‌گیر اروپایی و آسیایی دوام بیاورند. در نهایت، LCVها را می‌توان «کارگران بی‌ادعای جاده‌ها» دانست؛ خودروهایی که شاید به چشم نیایند، اما بدون آنها، چرخ اقتصاد روزمره از کار می‌افتد.



بهای تمام‌شده جهانی، بلکه بر اساس «تحمل بازار» و «تبلیغات رسانه‌ای» صورت می‌گیرد.

«**فروش اقساطی، قوی‌ترین سلاح مونتاژکاران**

خودروهای چینی هر چه نداشته باشند، مزیتی بزرگ و حذف‌ناشدنی دارند و آن هم چیزی نیست جز طرح‌های فروش اقساطی. در این شرایط، خرید خودروی چینی برای مردم حکم سرمایه‌گذاری بلندمدت با سود چندساله را دارد،

چرا که فروش اقساطی راه نوعی می‌توان معادل دریافت وام در نظر گرفت. حال، در این شرایط اقتصادی، اغلب مردم بیش از آنکه به کیفیت، طراحی، قدرت و... خودرو اهمیت دهند، قطعاً به داشتن یک خودروی صفر کیلومتر و گرفتن یک وام گاهی ۵ ساله فکر می‌کنند. در سوی دیگر، زمانی که مردم برای خرید خودروهای ایرانی که اقتصادی‌ترین خودروهای کشور محسوب می‌شوند باید سال‌ها و ماه‌ها در صف قرعه‌کشی و تحویل منتظر بمانند، به‌ناچار همان پول را با اندکی بیشتر، به‌عنوان پیش‌پرداخت یک خودروی مونتاژی چینی پرداخت می‌کنند و سپس راه می‌روند یا با ترغند بازاربایی جدید شرکت‌ها، هر ۳ ماه از یک‌سال تا پنج‌سال اقساط خودروی خود را پرداخت می‌کنند. در نهایت، به دلیل افت قیمت

دنده عقب

دوج دارت؛ هیولای اصیل دیترویت روی چهار چرخ خاطره

«**از پیش‌رانه‌های پرهیاهو تا طراحی کرومی چشم‌نواز؛ دوج دارت اسطوره‌ای که خیابان را بدل به سینما می‌کرد**

وقتی درباره دوج دارت حرف می‌زنیم، در واقع از یکی از نمادهای طلایی دوران طلایی خودروسازی آمریکای قرن بیستم حرف می‌زنیم. خودرویی که از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۶ روی خط تولید کرایسلر رفت و در آن سال‌ها، تنوع موتورهایی را ارائه داد که از پیش‌رانه‌های شش سیلندر خطی ۱۷۰ و ۲۲۵ اینچی گرفته تا ۷۸‌های حجیم ۲۷۳، ۳۱۸، ۳۴۰ و حتی ۳۶۰ اینچی را در خود جای داده بود. این خودرو بسته به تیپ و مدل، قدرتی بین ۱۰۱ تا ۲۷۵ اسب‌بخار داشت و به گیربکس‌های دستی سه یا چهار دنده یا گیربکس خودکار تور کفلایت مجهز می‌شد. دوج دارت در کلاس کامیکت قرار داشت اما از نظر توان فنی، چیزی کم از ماسل کارهای هم‌دوره‌اش نداشت. طراحی بیرونی دوج دارت، مخصوصاً در مدل‌های اولیه دهه ۶۰، با خطوط براق، گلگیرهای برآمده، جلوپنجره‌ای افقی و فراگیر، چراغ‌های دویل گرد و تزئینات کرومی پهن، روح اصیل دیتروینی را در بدنه‌اش حک کرده بود. این یادگار صنعت آمریکا، مخصوصاً در نسخه‌های دو در، ترکیبی از خشونت کلاسیک و وقار صنعتی آمریکایی بود. در مدل‌های



بیشترین کاهش خارجی					
۱	فونیکس تیگو۷ پرو پریمیوم-۱۴۰۴	۱۰-	۲۰۳۵میلیون تومان		
۲	ام‌وی‌ام X۳۳ کراس دنده‌ای-۱۴۰۳	۱۰-	۱۰۱۲میلیون تومان		
۳	ام‌وی‌ام X۳۳ کراس اتوماتیک-۱۴۰۴	۱۰-	۱۰۱۷میلیون تومان		
۴	ام‌وی‌ام X۳۳ کراس اتوماتیک-۱۴۰۳	۱۰-	۱۰۲۰میلیون تومان		
۵	چری آر۱۵۰ ۵T اسپرت-۱۴۰۳	۱۰-	۱۵۲۰میلیون تومان		



عارضه‌ای به نام چت گروهی

چت والدین و خانواده‌ها در واتساپ، آثار مخرب و سوءروانی در پی دارد

در دنیای پرشتاب امروز، چت‌های گروهی واتساپ برای والدین و خانواده‌ها به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. این گروه‌ها قرار بود پلی برای ارتباط و هماهنگی باشند؛ از برنامه‌ریزی اردوی مدرسه تا هماهنگی مهمانی‌های خانوادگی اما در واقعیت، اغلب به میدان‌هایی پر تنش بدل می‌شوند که در آنها مقایسه‌های اجتماعی، سوءتفاهم‌ها و قضاوت‌های ناخواسته موج می‌زنند. چرا این فضاهای مجازی که قرار بود کار را آسان کنند، تا این حد اعصاب‌خردکن شده‌اند؟



آسیب‌شناسی؛ ریشه‌های توفان دیجیتال
دکتر دزیره اشموک، استاد ارتباطات دانشگاه وین، در مطالعه‌ای که سال ۲۰۲۵ در مجله «کلین زینتوک» منتشر شد، این گروه‌ها را «آینه‌های تحریف‌شده اجتماعی» می‌نامد. او توضیح می‌دهد: «والدین در این چت‌ها رفتارشان را با دیگران مقایسه می‌کنند و از این رو هنجارهای اجتماعی جدیدی در این گروه‌ها شکل می‌گیرد که در نگاه اول ممکن است الهام‌بخش به نظر بیایند اما اغلب به احساس ناکافی بودن و اضطراب و افسردگی منجر می‌شوند.» برای مثال، وقتی مادری می‌خواند که والد دیگری برای فرزندش کلاس‌های رباتیک، موسیقی و ورزش هماهنگ کرده، ممکن است خود را در جایگاه پایین‌تری یا عامل عقب‌ماندگی فرزندش ببیند و اعتماد به نفسش کاهش یابد. عارضه اصلی این است که این گروه‌ها به‌ندرت به اطلاعات ضروری محدود می‌مانند و هر فرد در هر گروهی، آماج اطلاعات غیرمرتبط قرار می‌گیرد. اغلب پیام‌ها، از متن‌های طولانی درباره انتخاب مربی شنا تا وویس‌های پرشور درباره کمبود فعالیت‌های فرهنگی در مدرسه، اغلب به لحنتی قضاوت‌گر یا تهاجمی همراه‌اند. اشموک می‌افزاید: «در ارتباطات متنی، افراد سریع‌تر پاسخ می‌دهند تا اینکه فکر می‌کنند. این سرعت، به‌ویژه به دلیل فشار پاسخگویی فوری و حجم بالای پیام‌های غیرضروری، چت‌های خانوادگی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این گروه‌ها هم به‌رغم شناخت، خویشاوندی و صمیمیت اعضای آن، می‌توانند به همان اندازه پر تنش باشند. پیام‌ها در این گروه‌ها از تبریک‌های ساده تولد تا بحث‌های داغ درباره مسائل

سیاسی، مالی یا تفاوت‌های فرهنگی متغیرند و نبود مرزهای مشخص و ماهیت دائمی این ارتباطات دیجیتال، به گفته اشموک، «بار روانی قابل توجهی» ایجاد می‌کند. تحقیقات نشان داده که حتی جوک‌ها و لطیفه‌هایی که در گروه‌های خانوادگی به اشتراک گذاشته می‌شوند، نمی‌توانند آنطور که باید و شاید، لیخند را بر لب خواننده بیاورند.

مصادق‌های واقعی؛ از کلاس شنا تا عروسی
برای درک عمق این چالش‌ها، به چند نمونه واقعی نگاه کنیم. در یک گروه والدین انگلیسی، بحث درباره انتخاب عکاس مهد کودک به مشاجره‌ای درباره درآمد ماهانه، بودجه و اولویت‌های مالی والدین کشیده شد و یکی از والدین که استطاعت مالی لازم را نداشت، بالحنی تند نوشت: «چرا باید برای عکاسی از بچه اینقدر هزینه کرد؟ مگر بچه‌ها مدل هستند؟» این پیام که با یاموجی‌های عصبانی همراه بود، موجی از پاسخ‌های شدیدالحن و دفاعی به راه انداخت و نه تنها موجب شرم فرد معترض شد، بلکه این حس را به او منتقل کرد که لیاقت داشتن فرزند را ندارد. در گروهی دیگر نیز پیشنهاد یک مادر برای افزودن گزینیه‌های گیاهی به منوی غذای مدرسه، بحثی درباره سبک زندگی و ارزش‌های خانوادگی در گرفتو به بیشتر شبیه به جنگی تمام‌عیار بود. چت‌های خانوادگی هم کم از این تنش‌ها ندارند. در یکی از این گروه‌های خانوادگی اتریشی، هماهنگی برای عروسی یکی از اقوام به گلابی‌ای درباره درخت‌های مادرشوهر و سپس مشاجره‌ای درباره هزینه‌ها رسید و به جایی کشید که بخش قابل توجهی از اعضای خانواده که از این بحث‌ها رنجیده بودند، در مراسم عروسی حاضر نشدند. در گروهی سوئدی نیز تبریک تولد یکی از اعضا به بحثی درباره تفاوت ارزش‌های نسلی و «بی‌توجهی جوان‌ترها» به مراسم‌های

وزارت امنیت داخلی در حال بررسی ایده‌ای جنجالی برای مهاجران

نبرد برای پاسپورت آمریکایی روی آتن می‌رود

پیشنهاد تولید مسابقه تلویزیونی «آمریکایی» برای رقابت مهاجران در کسب تابعیت آمریکا، واکنش‌های گسترده و جنجالی برانگیخته است



وزارت امنیت داخلی آمریکا در اقدامی بی‌سابقه، پیشنهاد برگزاری مسابقه‌ای تلویزیونی به نام «آمریکایی» (The American) را بررسی می‌کند که در آن مهاجران برای کسب تابعیت ایالات متحده رقابت خواهند کرد. این ایده جنجالی که توسط راب وورشاف، تهیه‌کننده کینه‌کار برنامه‌هایی چون «دودمان داک»، مطرح شده، موجی از بحث و جدل به راه انداخته است. این ایده، سوالاتی مشترک را به تمام آذهان متبادر کرده است؛ این برنامه جشن هویت آمریکایی است یا نمایشی توهین‌آمیز و گلاباتورگونه برای سرگرمی؟ به گزارش هالیوود ریپورتر، وورشاف، مهاجری کانادایی، هدف از این رقابتی‌شو را «تجلیل از روح آمریکایی» در دورانی می‌داند که «روحیه ملی در پایین‌ترین سطح است». او در فیس‌بوک نوشت: «این برنامه نه توهین‌آمیز است و نه تحقیرکننده؛ بلکه ادای احترامی به ارزش‌های آمریکایی است.» با این حال، منتقدان می‌گویند تبدیل فرآیند حساس اعطای تابعیت به یک نمایش تلویزیونی، شأن مهاجران را زیر سؤال می‌برد و می‌تواند آنها را به ابزاری برای سرگرمی یا بهره‌برداری سیاسی تبدیل کند.

چالش‌های آمریکایی برای رویای شهروندی

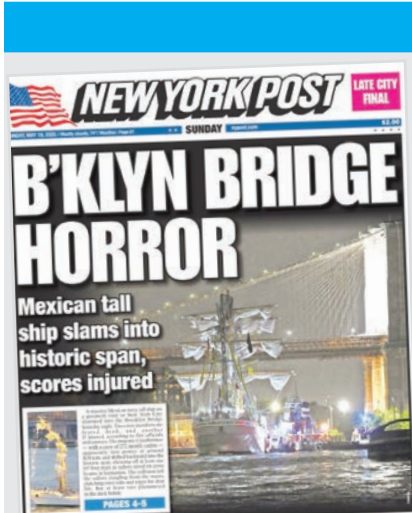
وورشاف در گفت‌وگو با وال استریت ژورنال توضیح داد که شرکت‌کنندگان باید در چالش‌هایی با تم آمریکایی، مانند استخراج طلا در معادن سان فرانسیسکو یا مونتاژ خودروی فورد مدل تی،

هم فردی است که برای جلب توجه تالسالوادور و زندان مشهورش رفت و کنار زندانیان آن که تعدادی از آنها مهاجران اخراج‌شده از آمریکا بودند، عکس یادگاری گرفت.

سابقه‌ای از جنجال‌های مهاجرتی در رسانه‌ها

این اولین بار نیست که موضوع مهاجرت در آمریکا به سوژه‌ای رسانه‌ای تبدیل می‌شود. در دوران پیشین ریاست جمهوری دونالد ترامپ، وزارت امنیت داخلی میلیون‌ها دلار صرف برنامه‌سازی و تبلیغاتی کرد که مهاجران غیرقانونی را به ترک خاک آمریکا ترغیب می‌کرد. در سال ۲۰۱۸، برنامه‌ای جنجالی به نام «بخش‌کن‌ها» (Ice Breakers) که قرار بود مأموران اداره مهاجرت و گمرک (ICE) را در حال دستگیری مهاجران غیرقانونی نشان دهد، به دلیل انتقادات گسترده لغو شد. منتقدان می‌گویند «آمریکایی» نیز ممکن است به سرنوشتی مشابه دچار شود، زیرا خطر ساده‌سازی مسئله پیچیده مهاجرت و تبدیل آن به سرگرمی تجاری را به همراه دارد. به ویژه باید به واکنش کاربران آمریکایی در شبکه‌های اجتماعی رجوع کرد. پست‌های منتشرشده در شبکه اجتماعی ایکس نشان‌دهنده واکنش‌های متفاوتی است. بخش عمده‌ای از کاربران این ایده را «شرم‌آور» و «توهین به مهاجران» خوانده‌اند، در حالی که عده‌ای نیز آن را «خلاقانه» و فرصتی برای نمایش داستان‌های الهام‌بخش آمریکایی برای مهاجران می‌دانند. کارشناسان مهاجرت هشدار داده‌اند که این برنامه ممکن است انتظارات غیرواقعی در میان مهاجران ایجاد کند و فرآیند قانونی اعطای تابعیت را که به‌طور معمول سال‌ها طول می‌کشد، به یک بازی رسانه‌ای زود بازده تقلیل دهد.

داده‌های اداره خدمات شهروندی و مهاجرت آمریکا تراکم به نمایش بگذارد، بعید نیست که دیر یا زود با حمایت جانانه از این برنامه، آن را روانه آتن کنند. به‌ویژه اینکه ایده «آمریکایی» به دلیل ماهیت غیرمتعارفش، توجه ویژه‌ای را جلب کرده و نوم



لوموند فرانسه، عکس اصلی خود را به کشتار بزرگ، به ویژه کشتار زنان و کودکان فلسطینی در غزه توسط رژیم جانیکنار اسرائیل اختصاص داد.

نیویورک پست، عکس و تیتراژ اصلی خود را به برخورد دکل‌های یک کشتی نظامی آموزشی مکزیکی به پل تاریخی بروکلین اختصاص داد که تاکنون منجر به مرگ دو نفر از خدمه شده است.



کوبین اسپیسبی، بازیگر جنجالی برنده اسکار، پس از نزدیک به یک دهه با دریافت جایزه‌ای افتخاری به جشنواره کن بازمی‌گردد؛ بازگشتی که به گفته «ورایتی» می‌تواند جنجالی باشد. اسپیسبی از سال ۲۰۱۶ و پس از انتقاد از دونالد ترامپ دیگر در کن دیده نشده بود و در این مدت با چند اتهام آزار جنسی و طرد از هالیوود مواجه شد. حالا پس از تبریته در بریتانیا و آمریکا، نخستین‌بار در فیلمی به نام بیداری بازی کرده که در کن معرفی می‌شود. او روز گذشته جایزه‌ای را در نمایشگاه «صندوق دنیای بهتر» دریافت کرد و احتمال دارد روی فرش قرمز نیز حاضر شود.

عکس روز

در ستایش نغمه‌ای که از وین برخاست

اتریش با اجرای جی‌جی، فاتح یوروویژن ۲۰۲۵ شد

در شب موسیقی و سیاست، در میانه نور و اضطراب، صدای وین بار دیگر در قاره سبز طنین انداخت. در شصت‌ونهمین دوره مسابقه آواز یوروویژن که شنبه‌شب در شهر بازل سوئیس برگزار شد، «جی‌جی» خواننده اتریشی با قطعه‌ای درخشان به نام «عشقی هدررفته» (Wasted Love) موفق شد جایزه بزرگ این رقابت سالانه را از آن خود کند؛ افتخاری که پیش از او تنها دو بار نصیب اتریش شده بود: یکبار در سال ۱۹۶۵ با «اودو یورگنس» و دیگری بار در ۲۰۱۴ با اجرای پر سر و صدای «کنچیتا ورس». جی‌جی، با نام اصلی یوهانس پیچ، هنرمندی است تحصیل کرده موسیقی کلاسیک که گستره صوتی‌اش از کانتر تنور تا سوپرانو را دربرمی‌گیرد؛ ویژگی‌ای کمیاب که در اجرای پیچیده و چندلایه او کاملاً به کار آمد. قطعه او به حال‌وهوایی اپرایی آغاز شد و در پایان به ضرب آهنگی باشگاهی و پر هیجان بدل شد، ترکیبی که هم داوران و هم رای‌دهندگان عمومی را مجذوب کرد. او این ترانه را با همکاری تئودورا اشپییر پیچ و توماس ترنر نوشته و آن را روی صحنه با نمایشی مینی‌مال و پرشکوه به اجرا درآورد. یوروویژن که از سال ۱۹۵۶ آغاز شده، بزرگ‌ترین رویداد موسیقایی غیرتجاری اروپا به‌شمار می‌رود؛ رقابتی که نه تنها سکوی پرتاب استعدادهای تازه، بلکه صحنه‌ای برای نمایش تنوع فرهنگی، رقابت نرم سیاسی و گاه حتی اعتراضات اجتماعی است. برنده این رقابت با رای ترکیبی از هیات داوران و رای عمومی انتخاب می‌شود و جایزه‌ای نمادین که بیش



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



جنیفر لارنس، آخرین ستاره هالیوود؟

شان پن، اسطوره ۶۴ ساله هالیوود، در یادگست جنجالی «لونیس ترو» ادعا کرد جنیفر لارنس، ستاره ۳۴ ساله «بازی‌های گرسنگی»، شاید «آخرین ستاره سینمای هالیوود» باشد. او در این مصاحبه از وودی آلن حمایت کرد، تام کرورز را «بهترین بدلکار دنیا» خواند و گفت هنوز فیلمی از تیموتی شالامی ندیده است. پن گفت: «کارخانه ستاره‌سازی هالیوود در حوالی ظهور لارنس از کار افتاد.» لارنس با «زمستان استخوان‌سوز» (۲۰۱۰) درخشید، با «بازی‌های گرسنگی» و «ایکس-من» فاتح گیشه شد و در سال ۲۰۱۲ برای «دفترچه امیدبخش» اسکار برد. گفتنی است، کونتینن تارانتینو، پیش‌تر بر پیت را «آخرین ستاره بزرگ» خوانده بود. برخی کارشناسان به ورایتی گفتند فیلم‌های ابرقهرمانی و استریمینگ تعریف «ستاره» را تغییر داده؛ بازیگرانی مثل کریس اوانز بیشتر با نقش‌های شان شناخته می‌شوند و به عنوان شخصیت مستقل هنری، ستاره نیستند. پن درباره دی‌کارپو گفت: «او پیش از توقف این جریان به اوج رسید.» اما درباره شالامی، ستاره «تل‌ماسه» (با فروش ۶۰۰ میلیون دلاری)، اظهار بی‌اطلاعی کرد.



تلوزیون

رفتار خشونت آمیز هواداران در لیگ اسکاتلند صندلی تماشاگران، سر بازیکن فوتبال را شکست



جک مکنزی، مدافع تیم فوتبال آبردین، در جریان دیدار مقابل داندی یونایتد در لیگ برتر اسکاتلند، با پر تاب صندلی از ناحیه سر مورد اصابت قرار گرفت؛ به نظر می‌رسد یکی از هواداران تیم خودش (آبردین) این شیء را به سمت او پر تاب کرده است. مکنزی در آن بازی به میدان نرفت و روی نیمکت ذخیره‌ها نشسته بود. آبردین در آن مسابقه با نتیجه ۲-۱ مغلوب میزبانش شد و این شکست باعث شد در روز پایانی فصل به رده پنجم سقوط کند و از شانس صعود به رقابت‌های اروپایی بازماند. در پایان بازی تک‌های پلاستیک سخت از صندلی که از سکوهای هواداران آبردین پر تاب شده بود، به سر مکنزی برخورد کرد.او پس از سقوط به زمین، تحت درمان پزشکی قرار گرفت و سپس با باندازی به دور سرش، به بیمارستان منتقل شد.جیمی تیلن، سرمربی تیم آبردین، گفت: «تنها چیزی که می‌دانیم این است که جک به شدت مجروح شده؛ او بازیکنی است که تنها در حال انجام وظیفه‌اش بود. چنین اتفاقی نباید رخ دهد.»

حمله تند محمد ارزنده، ر کوردار پرش طول ایران به احسان حدادی، رئیس فدراسیون دوومیدانی

پرش به حاشیه ارزنده معتقد است وزارت ورزش شفافیت لازم رادر انتخابات فدراسیون دوومیدانی رعایت نکرده است



طی ماه‌های گذشته و پس از انتخاب احسان حدادی به‌عنوان رئیس فدراسیون دوومیدانی، حواشی و اتفاقات زیادی پیرامون این انتخاب وجود داشته به‌طوری‌که برخی از ورزشکاران و قهرمانان حال حاضر و گذشته این رشته، بارها دست به اعتراض زده و از وزارت ورزش خواهان اعمال نظر شدند.

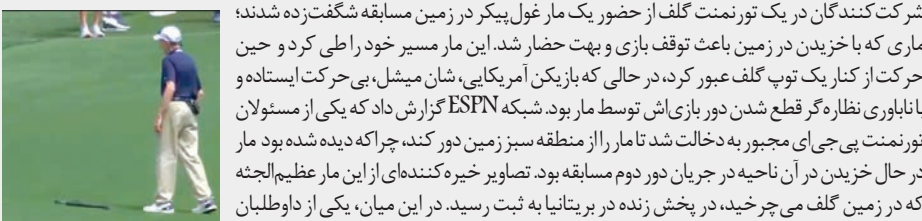
محمد ارزنده قهرمان سابق و ر کوردار پرش طول ایران است و یکی از کسانی است در این ماه‌ها در صف اول معترضان به عمل کرد حدادی بوده است. ارزنده مقام چهارم جوانان جهان و مقام سوم جوانان آسیا را در کارنامه دارد و در قهرمانی داخل سالن آسیا در سال ۲۰۱۴ با پرش ۷/۸۰ متر به مدال نقره رسید.او ر کوردار نوجوانان، جوانان و بزرگسالان ایران در ماده پرش طول است و در دو المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو با لباس تیم ملی ایران حضور داشت.

یک انتخاب و آغاز اختلاف‌ها

ارزنده درباره شرایط و چالش‌های پیش آمده در انتخاب رئیس فدراسیون دوومیدانی می‌گوید: «شکافی در دوومیدانی ایجاد شده

که در اصل عامل آن می‌تواند وزارت ورزش باشد. ماجرا مربوط به انتخابات فدراسیون دوومیدانی است که یک سال پیش بر گزار شد. در این انتخابات یکسری قوانین باید رعایت می‌شد که از طرف وزارت ورزش رعایت نشد و آقای احسان حدادی که نمی‌توانست

ورود حیوانات عجیب و غریب در زمین بازی مار غول‌پیکر، بازی گلف را به هم ریخت



شرکت‌کنندگان در یک تورنمنت گلف از حضور یک مار غول‌پیکر در زمین مسابقه شگفت‌زده شدند؛ ماری که با خزیدن در زمین باعث توقف بازی و بهت حضار شد. این مار مسیر خود را طی کرد و حین حرکت از کنار یک توپ گلف عبور کرد، در حالی که بازیکن آمریکایی، شان میشل، بی حرکت ایستاده و بانهاوری نظاره‌گر قطع شدن دور بازی‌اش توسط مار بود. شبکه ESPN گزارش داد که یکی از مسئولان تورنمنت پی‌جی‌ای مجبور به دخالت شد تا مار را از منطقه سبز زمین دور کند، چراکه دیده شده بود مار در حال خزیدن در آن ناحیه در جریان دور دوم مسابقه بود. تصاویر خیره‌کننده‌ای از این مار عظیم‌الجثه که در زمین گلف می‌چرخید، در پخش زنده در بریتانیا به ثبت رسید. در این میان، یکی از داوطلبان مسابقه با شجاعت، مار را با پا به سمت منطقه خشن تر زمین هدایت کرد و بدین ترتیب شرایطی برای میشل فراهم شد تا با آرامش ضربه بعدی خود را از فاصله ۱۲ فوتی به سمت حفره بزند. در نهایت، میشل ۵۶ساله موفق شد ضربه بردی را ثبت کند. وقتی که به نظر می‌رسید مار به سمت یکی از مسئولان تورنمنت حرکت می‌کند، گزارشگران ادامه دادند: «اوه، این چیزی است که باید از آن دوری کرد. حالا با یک مشکل روبه‌رو هستیم.۰۰۰ آیا قرار است توپ را به سمتش بزنند؟۰۰۰ به نظر می‌رسد او در حال فکر کردن به چیزی بهتر از یک توپ سفید است!» جالب اینجاست که این مار تنها بازدیدکننده غیرمنتظره زمین نبود؛ پیش‌تر نیز بازی به دلیل ورود یک لاک‌پشت قطع شده بود. این لاک‌پشت به توپ گلف میشل در نزدیک ۱۴ نزدیک شد اما در نهایت در تله شنی کنار آب مستقر شد.



رفتارشان در تناقض است.»

خاموش کردن اعتراضات با زامان

«با وزارت ورزش صحبت کردیم اما جواب قانع‌کننده‌ای ندادند. موضوع این است که تخلف کردند. ما تلاش کردیم که موضوع را آشکار کنیم تا همه بدانند چه تخلفی صورت گرفته است. آقایان خودشان می‌دانستند، می‌خواستند موضوع را به حاشیه ببرند تا ورزشکاران و مربیانی که اعتراض داشتند با گذر زمان خسته شده و بی‌خیال ادامه مسیرشان شوند اما بچه‌ها و کسانی که اعتراض داشتند، نشان دادند پای اعتراض‌شان ایستاده‌اند و تا زمانی که جواب قانع‌کننده‌ای داده نشود، این اعتراضات هست. البته جواب قانع‌کننده‌ای نمی‌توانند بدهند چون تخلف صورت گرفته است. جواب قانع‌کننده یعنی باید انتخابات باطل و در یک فضای کاملاً قانونی و بی‌طرف برگزار شود. این‌تنها خواسته ما و کاملاً بحق است. طبق شواهد و مستندات باید این موضوع اتفاق بیفتد.»

وعده‌های تو خالی

«اینکه وزارت ورزش این موضوع را سرسری می‌گیرد، نشان‌دهنده این است که مسئولان فقط درحد کلام می‌گویند دوومیدانی خیلی مهم است. در این ۷-۲۶ ساله که در ورزش هستم، به کرات دیدم که بعد از مسابقات این حرف‌ها زده می‌شود که این رشته مهم است و حسین رسولی رقم زدند. تا دوومیدانی بیشتر از این به قهقرا نرفته و نابود نشده، دست به دست هم داده و نجاتش بدهیم.»



حاشیه

لامین یامال؛ وفادار به خانواده و دلبسته مادر بزرگ

داستان شگفت‌انگیز زندگی ستاره فوتبال جهان



لامین یامال، ستاره باشگاه بارسلونا، پس از نمایش خیره‌کننده‌اش در این فصل و هدایت تیم برای کسب ۳ عنوان قهرمانی داخلی، توجه گسترده رسانه‌ها را به خود جلب کرده است.

اما این فقط عملکرد فنی نیست که او را در مرکز توجه قرار داده، بلکه تحسین‌های فراوانی از سوی مطبوعات و ستارگان فوتبال نیز به دلیل شخصیت قوی و عملکرد درخشانش – به‌ویژه در بازی‌های بزرگ – به سمت او روانه شده است.

نام عجیب

لامین یامال در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۷ در شهر اسپلوگاس دی یوریگات، واقع در حومه بارسلونا، متولد شد. پدر او، منیر نصرای، اهل مراکش است و مادرش، شیلایبانا، اهل گینه استوایی، پیش از تولد او، خانواده‌اش با شرایط دشواری مواجه بودند و در جریان مهاجرت‌شان به بارسلونا، دو نفر به آنها کمک کردند. به گفته روزنامه اسپانیایی آ.اس، این دو نفر «لامین» و «جمال» نام داشتند. به نشانه قدردانی، پدر یامال نام این دو را برای فرزندش انتخاب کرد و بدین ترتیب نام ترکیبی «لامین یامال» شکل گرفت.

هویت و ارزش‌ها

لامین یامال در محله کارگری روکافوندا بزرگ شد؛ محله‌ای که کد پستی آن به شماره ۳۰۴ ختم می‌شود. او پس از هر گل، با انگشتان دستش این عدد را نشان می‌دهد تا ریشه‌هایش را به یاد آورد و به جهانیان نشان دهد. یامال همواره سه پرچم را روی کفش‌هایش حک می‌کند: پرچم اسپانیا، مراکش و گینه استوایی؛ نمادهایی از اصالت پدری، مادری و کشوری که در حال حاضر در تیم ملی آن بازی می‌کند. او پس از جدایی والدینش در سننین پایین، بیشتر تحت سرپرستی مادر بزرگش، فاطمه، بزرگ شد. فاطمه بیش از ۳۰ سال پیش از شهر طنجه به مادرید مهاجرت کرده و مدتی به عنوان پرستار سالمندان کار می‌کرد. او بعدها به بارسلونا نقل مکان کرد و در کنار فرزندانش از جمله منیر، پدر لامین، زندگی را ادامه داد. لامین پس از رسیدن به درآمدی بالا از فوتبال و قرارداد تبلیغاتی با آدیداس، اولین کاری که کرد، خرید خانه‌ای برای مادر بزرگش در نزدیکی محل زندگی خانواده‌اش بود. او رابطه نزدیکی با خانواده دارد و به‌ویژه برادر کوچکترش «کین» که در سپتامبر ۲۰۲۲ به دنیا آمد را بسیار دوست دارد و در اکثر مسابقات تیم باشگاهی و ملی، او را با خود همراه می‌کند. کین در بسیاری از جشن‌ها، از جمله قهرمانی در جام حذفی اسپانیا و پیروزی مقابل رئال مادرید در هفته ۳۵ لالیگا، در آغوش لامین دیده شده است.

دستاوردهای ورزشی

لامین یامال در ۱۷ سالگی، به ستاره شماره یک بارسلونا تبدیل شده و یکی از بازیکنان ثابت تیم ملی اسپانیاست. او از آوریل ۲۰۲۳ تاکنون، در ۱۰۴ مسابقه رسمی برای بارسلونا به میدان رفته، ۲۴ گل به ثمر رسانده و ۳۴ پاس گل داده است. او تاکنون ۴ عنوان قهرمانی با بارسلونا کسب کرده است: ۲ قهرمانی در لالیگا، ۱ قهرمانی در کوپا دل‌ری (جام حذفی)، ۱ قهرمانی در سوپر جام اسپانیا و همچنین، قهرمانی در جام ملت‌های اروپا (یورو ۲۰۲۴) با تیم ملی اسپانیا را نیز در کارنامه دارد.

مستطیل سبز

جاخالی دروازه‌بان از مشت سنگین هوادار

جیمی جامپ خشن و خطرناک در فوتبال سوئد



تماشاگر یکی از تیم‌های فوتبال در لیگ سوئود با ورود به زمین، سعی در ضربه زدن به بازیکن تیم رقیب داشت؛ ویدیویی شوکه‌کننده از این لحظه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. در این اتفاق که پنجشنبه گذشته رخ داد، یکی از هواداران تیم گوتبورگ وارد زمین بازی شد و تلاش کرد به یکی از بازیکنان تیم اوسترز حمله‌ور شود؛ مسابقه‌ای که در نهایت با پیروزی یک بر صفر اوسترز به پایان رسید. با این حال، بازیکن تیم اوسترز توانست از ضربه مشت تماشاگر جاخالی بدهد. جالب آنکه این تماشاگر بدون اینکه دستگیر یا از ورزشگاه اخراج شود، دوباره به سکوها باز گشت.

 	اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان – ناحیه دو هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	
برابرای شماره ۱۴۶۱-۳۳۶-۱۴۰۴۶۰۳۳۶-۳۴۰۰۱۴۵۹ و ۱۴۰۴۶-۳۲۶-۱۴۰۴۶-۳۲۶-۳۴۰۰۱۴۵۷ نسبت به ۸۸,۶۶۶۶ متر مربع پلاک ۲۲۱ فرعی از ۲۰ اصلی بخش ۲ واقع در حسن آباد شورین خریداری از مالک رسمی مع الواسطه موسی سلمان	
۲- نسبت به ۸۸,۶۶۶۶ متر مربع پلاک ۲۴۳ فرعی از ۲۰ اصلی بخش ۲ واقع در حسن آباد شورین خریداری از مالک رسمی مع الواسطه موسی سلمان	
۳- نسبت به ۸۸,۶۶۶۶ متر مربع پلاک ۷۴۲ فرعی از ۲۰ اصلی بخش ۲ واقع در حسن آباد شورین خریداری از مالک رسمی مع الواسطه موسی سلمان	
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف: ۵۹۷	
تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹	
تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳	
علیرضا غلامی- رئیس اسناد و املاک	

ورزش ایران وجهان

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۵۲ | دوشنبه | ۲۹ ربهبهشت | ۱۴۰۴ |

^[1] ورزش ایران وجهان روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۵۲ | دوشنبه | ۲۹ ربهبهشت | ۱۴۰۴ |

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سرمدیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

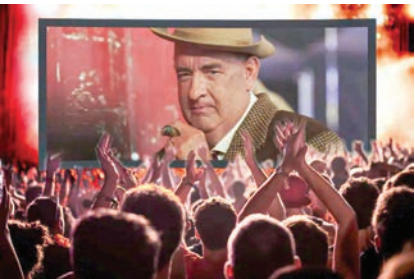
اذان صبح: ۰۳:۱۶ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۵ | اذان مغرب: ۱۹:۲۵

یادداشت

تشویق متدیک فیلم گاهی نشانه ناامیدی است

در مذمت تشویق‌های ایستاده

الهه کاکایی
هفت صبح



اخیراً، جشنواره فیلم کن به خاطر تشویق‌های ایستاده طولانی و قابل پیش‌بینی‌اش شناخته شده است. مردم این روند را هم نقد کرده‌اند و هم با آن همسو بوده‌اند و آن را از زوایای اجتماعی و روانشناختی تحلیل کرده‌اند. با شروع هفتاد و هشتمین جشنواره و ادامه این روند، درک معنای واقعی این تشویق‌ها مهم است. تشویق‌های مداوم و بیش از حد فقط نشانه خوشحالی نیست، بلکه نشان‌دهنده حس ناامیدی نیز هست و نشان می‌دهد که آنچه مورد تجلیل قرار می‌گیرد، ممکن است در واقع رو به زوال باشد.

به عبارت دیگر، این تشویق‌ها فقط آذردهنده نیستند – بلکه نشانه‌ای از مشکلات اساسی هستند.

این تشویق ممتد، که یادآور تجمعات در رژیم‌های اقتدارگرا است، توسط چند عامل مهم عادی‌سازی و تشدید شده است. اول، در پایان هر نمایش افتتاحیه، گروه تولید داخلی جشنواره چهره کارگردان و بازیگران را روی پرده بزرگی در کاخ نمایش می‌دهند که باعث می‌شود همه افراد حاضر در سینما واقعاً هیجان‌زده شوند. دوم، رسانه‌هایی که کن را پوشش می‌دهند، با کنترل مدت زمان نمایش‌ها، آنها را رسمی جلوه داده‌اند. گاهی اوقات، مانند فیلم «هزار توی پن» ساخته گیمو دل تورو در سال ۲۰۰۶، تشویق‌های کوتاه (که حدود ۲۲ دقیقه طول می‌کشد) با تحسین‌های بزرگ‌تر و ماندگارتر همراه می‌شوند. اغلب اوقات، این هلهله‌های تایید، صرفاً ترکیبی عجیب از ادب و دیوانگی هستند.

بونگ جون هو منحصربه‌فرد بود – شاید تنها کارگردانی – که در اوایل سال ۲۰۱۹ به تشویق‌ها پایان داد. او به تماشاکران فیلم «انگل» گفت: «متشکرم، بیایید همه به خانه برویم» و بعداً توضیح داد که او و تیمش در آن ساعت از شب بسیار گرسنه بودند، که احساسی رایج در افتتاحیه فیلم است.

تیری فرمو، مدیر جشنواره کن، از تشویق و تشویق حمایت می‌کند و می‌گوید که این بخشی از شغل اوست. در سال ۲۰۲۲، او اشاره کرد که مواردی مانند مدت زمان تارک مایندن سالن سینما پس از نمایش فیلم، زمان پایان تئاتر و بهترین زمان برای روشن کردن مجدد چراغ‌ها را مدیریت می‌کند. او هر نمایش را به عنوان یک جشن می‌بیند و معتقد است که مشارکت تماشاگران آن را حتی بهتر می‌کند زیرا مردم از مشارکت در آن لذت می‌برند.

رقیب اصلی کن، یعنی ونیز، نیز به همین ترتیب بیشتر به این کار طولانی مدت روی آورده است. به خصوص برای تجلیل از فیلم‌هایی که ستاره‌های بزرگی دارند مانند «جاذبه»، «ستاره‌ای متولد شده است»، «مرد پرنده‌ای» و «هنگ». این امر جشنواره فیلم ونیز را به رویدادی مهم برای فصل جوایز آمریکایی تبدیل می‌کند. اگر برلین رویکرد سنتی محتاطانه خود را تغییر دهد، از مرز قابل توجهی عبور خواهد کرد.

تشویق‌های طولانی و بیش از حد – که گاهی به اندازه یک فیلم کوتاه طول می‌کشد – قبلاً در جشنواره کروات نادر بود. برای مثال، در سال ۱۹۸۴، کارگردان سر جیو لئونو برای فیلم «وزی روز گاری در آمریکا» پانزده دقیقه تشویق دریافت کرد. با این حال، اکنون چنین تشویق‌های طولانی به یک استاندارد تبدیل شده است. اکثر فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره ۲۰۲۴ نیز به همین ترتیب مورد تحسین بی‌پایان قرار می‌گیرند. فقط شش تا هفت دقیقه تشویق پرشور از سوی بیش از دو هزار نفر از تماشاگران با لباس رسمی؟ عجیب است!

در ده سال گذشته، جشنواره کن سنت هو کردن آشکار فیلم‌ها را کنار گذاشته است. پیش از این، مردم به راحتی می‌توانستند فیلم‌هایی مانند «خرگوش قهوه‌ای» (۲۰۰۳) ساخته وینسنت گالو، «داستان‌های سرزمین جنوبی» (۲۰۰۶) ساخته ریچارد کلی، «دریای درختان» (۲۰۱۵) ساخته گاس ون سنتت و فیلم‌های دیگری از کارگردانی مانند نیکلاس ویندینگ رفن یا لاس فون تریه را دوست نداشته باشند. اکنون، انتقاد عمومی تقریباً از بین رفته است و مردم هنگام تماشای فیلم در تئاتر لومیر، تمایل دارند نظرات منفی خود را برای خودشان نگه دارن. مسئله این است که هیاهوی زیاد، زوال را پنهان می‌کند. یک هنر قوی و مطمئن برای مطرح‌ماندن نیازی به اغراق ندارد. با این حال، انواع هنری که زمانی محبوب بودند و اکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، برای اینکه در کانون توجه باقی بمانند، دست به کارهای عجیب و غریب می‌زنند. به عنوان مثال، اهدای جوایز زیاد در پایان نمایش‌ها، داشتن چندین تکرار در اپرا، نوشتن نقدی اغراق‌آمیز برای باله‌های جدید و توصیفات سطحی از زمان‌ها. ایده اصلی این است که با کاهش محبوبیت این هنر‌ها، هیجان بیشتری ایجاد می‌کنند تا از محو شدن خود جلوگیری کنند. تماشاگران خوش‌نیت کن ممکن است باور داشته باشند که دارند خودشان و یکدیگر را در حمایت از یک جامعه خلاق که از شور و شوق جمعی سود می‌برد، به وجد می‌آورند. با این حال، تمام این تحسین‌ها فقط واقعیتی را که شاید بهتر باشد – حداقل در نمایش‌های نه چندان باشکوه افتتاحیه – خوشیستن‌داری سنجیده‌تر یا حتی سکوت تأمل‌برانگیز مورد استقبال قرار گیرد، خفه می‌کند.

سیاره زمین مفید است. الان آن را امتحان می‌کنم، مخصوصاً اگر طعم خوبی داشته باشد.» جلب توجه بیشتر مردم به پروتئین حشرات فقط به خوشمزه کردن آن مربوط نمی‌شود – بلکه به اعتماد نیز مربوط می‌شود. قوانین شفاف و استانداردهای ایمنی مواد غذایی از سوی دولت می‌تواند به مردم کمک کند تا با اعتماد بیشتری چیزهای جدید را امتحان کنند. به علاوه، سوپرمارکت‌ها و تولیدکنندگان مواد غذایی باید این محصولات را به راحتی پیدا کنند و مقرون به صرفه باشند. مدارس، دانشگاه‌ها و گروه‌های اجتماعی نیز می‌توانند نقش بزرگی ایفا کنند. نمایش‌های آشپزی، آزمایش‌های چشایی و کمپین‌های آموزشی می‌توانند پروتئین حشرات را کمتر عجیب و غریب جلوه دهند و بیشتر به یک انتخاب هوشمندانه و آینده‌نگر تبدیل کنند. با امتحان کردن این غذاها توسط افراد بیشتر و به اشتراک گذاشتن تجربیاتشان، ایده خوردن حشرات می‌تواند

از چندش‌آور بودن به حالت عادی تبدیل شود. ممکن است زمان ببرد، اما حشرات می‌توانند به بخش مهمی از رژیم غذایی تبدیل شوند. آن‌ها برای سلامتی ما مفید هستند، به خصوص با افزایش سن و برای کره‌زمین نیز مفید هستند. نکته کلیدی این است که به مردم کمک کنیم تا فواید آن را درک کنند، بر عامل «حال به‌هم زن بودن» غلبه کنند و راه‌هایی برای لذت بردن از آنها در وعده‌های غذایی روزمره پیدا کنند. با ترکیب مناسب علم، آموزش و بازاریابی هوشمند، ممکن است همه ما به زودی به خوردن غذاهای پروتئینی یا حشرات روی بیایوریم.



می‌شود، تمایل بیشتری به امتحان کردن آن دارند. در این شکل، فقط یک ماده دیگر است و دیگر شبیه حشره به نظر نمی‌رسد. یکی دیگر از عوامل مهم، آموزش است. وقتی مردم می‌فهمند که چگونه پروتئین حشرات می‌تواند به محیط زیست کمک کند و از پیری سالم پشتیبانی کند، احتمال بیشتری دارد که آن را امتحان کنند. در گروه‌های متمرکز دانشجویی، برخی از شرکت‌کنندگان پس از شنیدن فواید آن، نظر خود را تغییر دادند. یکی از آن‌ها گفت: «من نمی‌دانستم که پروتئین آن این قدر زیاد است یا برای

مردم وقت‌ی پروتئین حشرات به صورت پودر درمی‌آید و غذاهایی که از قبل دوست دارند، مانند پروتئین بار‌ها، پاستا، نان یا برگر، اضافه

زیست هستند. آنها برای رشد به فضا، آب یا غذای بسیار کمی نیاز دارند و گازهای گلخانه‌ای کمتری تولید می‌کنند. به عنوان مثال، جیرجیرک‌ها برای تولید همان مقدار پروتئین، دوازده برابر کمتر از گاو به خوراک نیاز دارند. این امر حشرات را به انتخابی عالی برای کشورهایمانند ایرلند تبدیل می‌کند که می‌خواهند ضمن کاهش تأثیر زیست‌محیطی خود، غذای سالمی را برای همه، از جمله بزرگسالان مسن‌تر که برای جلوگیری از تحلیل رفتن عضلات و ضعف به پروتئین اضافی نیاز دارند، فراهم کنند. با وجود تمام این چیزهای خوب دربارۀ پروتئین حشرات، اکثر مردم برای خوردن ساندویچ جیرجیرک عجله‌ای ندارند. در یک پروژه تحقیقاتی که توسط سارا مانا کراس، آویف فیملی و سارا دولی

می‌گویند: «ها خرابی داره.» می‌گویم وقتی یک آدم توی کشوری دنیا آمده که از اول تاریخ مشکل کم‌آبی داشته‌ی دیگه عین ناشکری و بی‌چشم و رویی است که به باران بگویند خرابی. می‌گویند: «تو که خودت از بارون خوشت نمیداد. اگه راست می‌گی چرا الان خودت رو جمع کردی. چشمات ریز شدن.» می‌گویم که این فرق دارد و من دوست ندارم زیر باران باشم ولی وقتی باران می‌بارد به هر که بتوانم شکر می‌کنم.

می‌گویند: «پس چرا انبمای زیر بارون؟» و خودش می‌دود و توی اولین گودالی که جلوی پایش می‌بیند جفت‌لگد می‌پرد و یکی که دارد رد می‌شود در می‌آید فحش بدهد که مرا می‌بیند و خیال می‌کند سیبل‌هاست رامتکی است والکی می‌خندد و رد می‌شود.

می‌گویم بزغاله دست‌کم نگاه کن به مردم آسیب نرسانی ولی می‌گویند: «بارون بارونه زمین‌ها خیس می‌شه.» می‌گویم البته که «تر می‌شه» درست است ولی گوشش به من نیست و دهان باز کرده رو به آسمان خدا و ابرها از خجالتش در می‌آیند. می‌گویند: «هنت روزبا کن ببین چقدر خوشمزه است.» از فکر اینکه از پناه دیوار در بیایم به خود می‌لرزم چه رسد به اینکه وسط کوچه با این شکم گنده و سیبل‌های کنایه و پشم و پیلی و اصلا مردم چه می‌گویند.

می‌گویند: «اگه راست می‌گی آب و بارون دوست داری بیا زیر بارون. من گفتم خرابه ولی خراب نیست.» می‌گویم به این کشکی هم نیست و من بچه کویرم و به باران عادت نکرده‌ام. می‌گویند: «اون روز سر کلاس به بچه‌ها می‌گفتی عادت رو می‌شه درست کرد.» می‌گویم آن مال عادت



که هنوز خیابان بوی چنار و سنجگرفش می‌دهد، آدم‌هایی‌با کفش‌های برند و ساعت‌های گران‌قیمت، در سکوت صبحگاهی قدم می‌زنند. آرام، مطمئن با لیوان قهوه کاغذی در دست و پادکستی ملایم در گوش. آنها پیاده‌روی نمی‌کنند، زندگی را مصرف می‌کنند. و اینجا، جایی‌ست که شکاف طبقات، شکل عجیبی به خود می‌گیرد. قدم‌زدن به عنوان یک امتیاز. برای بسیاری دیگر اما پیاده‌روی چیزی جز اجبار نیست. باید راه رفت. چون تاکسی گران است، اتوبوس دیر می‌آید، مترو جا ندارد. برای آنها پیاده‌روی نه راهی برای رسیدن به خود که صرفاً



نیازبر این، حشرات چه نقشی ایفا می‌کنند؟ حشرات سرشار از پروتئین با کیفیت بالا هستند. آنها همچنین حاوی چربی‌های مفید، ویتامین‌ها و مواد معدنی مانند آهن و روی هستند. بعضی از گونه‌ها اگر نگوییم بیشتر اما به اندازه مرغ یا گوشت گاو، مغذی هستند. حشرات همچنین سازگارت‌ر با محیط

پیر شدن است. افراد مسن برای سالم و مستقل ماندن با افزایش سن به پروتئین بیشتری نیاز دارند، اما اغلب به اندازه کافی از آن نمی‌خورند. در عین حال، ما باید از سیاره زمین نیز مراقبت کنیم. تولید منابع پروتئینی سنتی مانند گوشت گاو، گوشت خوک و مرغ، زمین، آب و انرژی زیادی را مصرف می‌کند – و گازهای گلخانه‌ای زیادی ایجاد می‌کند.

بنابراین درس خواندن یا کار کردن برای غیر ممکن به نظر می‌رسد.» سوبرامانیام گفت این می‌تواند به این دلیل باشد که نسل زد یک «جمعیت مضطرب» است و به این دلیل که با افزایش شناخت این بیماری، افراد بیشتری مبتلا به اضطراب تشخیص داده می‌شوند. طبق نظرسنجی مورنینگ کانسالست در سال ۲۰۲۴، حدود ۳۱ درصد از بزرگسالان آمریکایی مرتباً مشغول اسکرول کردن صفحات وب هستند و این میزان در بین نسل‌های جوان‌تر به‌طور قابل توجهی بالاتر است: ۴۶ درصد از نسل هزاره، متولدین بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ و ۵۳ درصد از نسل زد.

گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۴ همچنین نشان داد که از هر ۱۰ نوجوان، بیش از یک‌نفر «نشانه‌هایی از رفتار مشکل‌ساز در رسانه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد، در کنترل استفاده از آن مشکل دارد و عواقب منفی را تجربه می‌کند.» این گزارش، استفاده مشکل‌ساز از رسانه‌های اجتماعی را به عنوان «الگوی رفتاری که با علائم اعتیادمانند مشخص می‌شود» تعریف می‌کند. مصرف مداوم اخبار و محتوای منفی می‌تواند واکنش استرس بدن را فعال کند. این امر منجر به افزایش استرس، افزایش اضطراب و سایر مشکلات سلامت روان می‌شود. بروتر گفت اسکرول کردن می‌تواند دوپامین را فعال کند – هورمونی که در عملکردهایی مانند پاداش و انگیزه نقش دارد – که باعث می‌شود «اسکرول کردن حتی زمانی که در نهایت احساس بدی دارد، فوراً پاداش‌دهنده به نظر برسد، بنابراین مغز به دنبال آن ذره دوپامین بعدی می‌گردد.»

سوبرامانیام همچنین گفت «اثر دوپامین» نه‌تنها در اسکرول کردن، بلکه در دریافت‌اعلان‌ها یا پیام‌ها و هر زمان که کسی پستی را در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارد نیز صدق می‌کند. روزی یه شه درست کرد.» می‌گویم آن مال عادت

سلامت روان

اضطراب نسل زد سه برابر شده است

نسل زد پیگیر اخبار منفی است

بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ اضطراب در بین جوانان نسل زد تقریباً سه برابر شده و یک گزارش به افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پیگیری اخبار منفی به عنوان دلایل بالقو‌ای که اضطراب در آمریکارایج‌تر شده است، اشاره می‌کند.

از دیگر عوامل مؤثر می‌توان به همه‌گیری کووید-۱۹ اشاره کرد. ماهاتی آگووایدی، فارغ‌التحصیل دانشگاه کمبلیا، در گزارشی مستقل با عنوان «شکستن چرخه پیمایش اخبار منفی: مدیتیشن به عنوان درمانی برای اضطراب در عصر دیجیتال» گفت این همه‌گیری باعث افزایش مدت زمانی شده است که جوانان به ویژه با تلفن‌های خود می‌گذرانند.

طبق داده‌های وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا که در این گزارش ذکر شده است، در سال ۲۰۱۹، هشت درصد از بزرگسالان بین ۱۸ تا ۲۹ سال اضطراب داشتند اما تا سال ۲۰۲۳، این تعداد به ۲۲ درصد افزایش یافت.

دکتر بالاچوندرا سوبرامانیام، استاد دانشکده پزشکی هاروارد، به نیوزویک گفت نسل زد، «کاملاً با رسانه‌های اجتماعی گره خورده‌اند» زیرا بسیاری از جوانان هفت ساعت از وقت خود را در روز صرف تلفن‌های همراهشان می‌کنند. او افزود رسانه‌های اجتماعی برای جوانان به عنوان یک «رام‌بخش دیجیتال» و «حواس‌پرتی موقت از کسالت، استرس، تنهایی و احساسات دشوار» عمل می‌کنند. عوامل زیادی باعث افزایش سطح اضطراب از کسالت، استرس، تنهایی و احساسات دشوار عمل می‌شوند. دکتر جادسون بروتر از مرکز ذهن آگاهی دانشگاه براون به نیوزویک گفت عدم اطمینان ناشی از بیماری همه‌گیر، بی‌ثباتی اقتصادی و استفاده مداوم از رسانه‌های اجتماعی در کنار هم باعث ایجاد این اضطراب شده‌اند.

بروتر گفت معمولاً افراد مبتلا به اضطراب، مدام در مورد نمرات، شغل، آب و هوا و آینده به «چه می‌شد اگر» فکر می‌کنند، تا جایی که «این توجه را از بین می‌برد،

عکس روز



مراسم تشییع پیکر حمیدرضا درجاتی، عکاس و عضو انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران، یکشنبه ۲۸

اردیبهشت ۱۴۰۴ از مقابل خانه هنرمندان با حضور خانواده آن مرحوم، دکتر احمد دنیا مالی وز بر ورزش و جوانان و جامعه رسانه کشور برگزار شد.

یک دقیقه زندگی

بچه کویرم و به باران عادت نکرده‌ام



نوشتن بوده و تازه آن‌ها هنوز بچه‌اند. می‌گویند: «اصلا هم بچه نیستن. دانشجو هستن همگی.» به خودم لعنت می‌فرستم که آن روز با خودم بردمش سر کلاس و می‌گویم که در هر حال آدم‌ها با یک چیزهایی دنیا می‌آیند و نمی‌توانند عادت بگردانند. می‌گویند: «پس الکی نگو بارون رحتمه.» می‌گویم این را آدم‌های عاقل‌تر از من گفته‌اند و حتما رحمت است. می‌گویند: «خودت گفتی اون روز که وقتی تو شهر توی باران، اولش سوزن‌های‌تر دارند شانه‌هام را سوراخ می‌کنند. بعد آب از پس کلام می‌رود روی تیره پشتم تا ته راه می‌کشد و تا مغز استخوان می‌لرزم. می‌گویند: «خودتو شل کن. دهن‌ت رو بده رو به ابر!»

و شاید دیگر مرد خکی گنده که منم ایستاده‌ام کنار یک دخترک خیس تیوی کوچوه و دارم باران می‌خورم.

داستان زمانه ما

چه شد که پیاده‌روی لوکس شد؟

بابک نبی
هفت صبح

روزی روزگاری، پیاده‌روی بخشی از زیستن ما بود، نه نمایی از آن. کسی برای راه رفتن وقت تعیین نمی‌کرد؛ قدم زدن در دل روز جاری می‌شد، چنان بی‌تکلف که حتی به زبان نمی‌آمد. راه می‌رفتم چون باید می‌رفتم، میان دو ایستگاه زندگی، با کفش‌هایی معمولی، خیابان‌هایی پر گرد و خاک و مقصدهایی بی‌ادا.

حالا اما راه رفتن بدل شده به امتیازی طبقاتی. پیاده‌روی دیگر «فعالیت» نیست؛ «ویژگی» شده. نشانه‌ای از سبک زندگی، فرصتی برای القای آرامشی شبکه‌های اجتماعی، فرصتی برای القای آرامشی که در دل ناآرامی شهر دست‌نیافتنی‌ست. شهر، سال‌هاست که روی انسان‌ها بسته شده. پیاده‌روها، دیگر نه برای عبور انسان که برای توقف موتور‌ها، تابلوهای تبلیغاتی‌ش و بارگیری مغازه‌ها ساخته شده‌اند. قدم زدن در این شهر، مهارتی‌ست هم‌ردیف ادراکات بازی؛ باید ببری، جاخالی بدهی، به دیوار بچسبی و دعا کنی که موتور بی‌هوازا پشت سبز نشود.

با این همه، در گوشه‌هایی از شهر، در محله‌هایی

راهی‌ست برای رسیدن به نان.

و شاید پیاده‌روی بخشی از خاطره جمعی ما بود. بچه‌ها دسته‌جمعی تا مدرسه می‌رفتند، پدرها تا مغازه، مادرها تا سبزی‌فروش محل. زندگی در رفت‌وآمد جاری بود، نه در نشستن. حالا اما راه رفتن بدل شده به برنامه‌ای لوکس. قابل زمان‌بندی و ثبت‌شدنی در اپلیکیشنی که هر قدمش قیمت دارد.

پیاده‌روی، این ساده‌ترین شکل پیوند با خود و جهان، از گفتمان رفته است. دیگر راه نمی‌رویم تا به جایی برسیم. راه می‌رویم تا اقرار کنیم: از دود، از شلوغی، از دردی که در بی‌حرکی این شهر لانه کرده. پیاده‌روی، این ساده‌ترین شکل پیوند با خود و جهان، از گفتمان رفته است. دیگر راه نمی‌رویم تا به جایی برسیم. راه می‌رویم تا اقرار کنیم: از دود، از شلوغی، از دردی که در بی‌حرکی این شهر لانه کرده. پیاده‌روی نباید امتیاز باشد. باید حقی باشد، مثل نفس کشیدن. ساده، انسانی، در دسترس. روزی اگر توانستیم دوباره به دغدغه قدم بزنیم…نه برای سوزاندن کالری، نه برای عکس اینستاگرامی…که فقط برای دیدن، شنیدن، بودن، آن روز شاید دوباره اندکی انسانی‌تر زندگی کنیم.